

بررسی روایات مدت حکومت امام زمان علیه السلام

مصطفی ورمزیار*

چکیده

مدت حکومت امام مهدی علیه السلام پس از ظهور، از جمله مباحث مهدویت به شمار می‌رود. اظهار نظر درباره تعیین مدت حکومت آن حضرت، پس از بررسی سندی و دلالتی روایات فراوان و متعارض این باب، امکان پذیر است.

با توجه به احادیث فریقین، می‌توان مدت حکومتی بین هفت تا 309 سال برای آن حضرت تصور کرد. در روایات اهل سنت، مدتی کمتر از ده سال مورد تأکید است، بر خلاف منابع حدیثی شیعه که در آن‌ها مدت بالای ده سال پررنگ‌تر بیان شده و مواردی از روایات شیعی که به هفت سال اشاره کرده‌اند، تفسیری متفاوت از لفظ سنه (سال) ارائه می‌دهند و هر سال را معادل ده سال عادی یا بیشتر می‌دانند.

مباحثی از قبیل، ترجیح سندی و دلالتی روایات، وجه جمع منتخب بین روایات متعارض و چگونگی طولانی شدن سال به مقدار ده برابر، از نکات مهم این تحقیق خواهد بود.

این نوشتار، پس از دسته‌بندی و بررسی سندی و دلالتی روایات و تحلیل نظریه‌های مطرح شده درباره وجه جمع بین روایات متعارض، نتیجه می‌گیرد که مدت حکومت هر قدر هم کم باشد به اندازه تشکیل حکومت و استقرار آن خواهد بود و پس از ثبات حکومت مهدوی، حکومت الهی صالحان بر جامعه تا قیامت ادامه خواهد داشت و وعده الهی _ که تداوم حکومت الهی تا قیامت است _ محقق خواهد شد.

واژگان کلیدی

مهدویت، مدت حکومت امام زمان علیه السلام، مراحل حکومت امام زمان علیه السلام، مدت حیات امام زمان علیه السلام، طولانی شدن سال‌های ظهور، رجعت.

مقدمه

مدت حکومت امام مهدی علیه السلام چند سال خواهد بود؟

برای پاسخ به این پرسش، راهی جز مراجعه به روایات معصومین علیهم السلام نیست و این روایات، زیاد، متنوع و متناقضند.

* کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن و پژوهشگر مباحث مهدویت (mova277@yahoo.com).

روایات هفت سال _ به ویژه در میان محدثان اهل سنت _ شهرتی نسبی دارند (صفار نجفی، 1428: ج 13، 145). با توجه به این شهرت، این پرسش مطرح می شود که اگر حکومت امام زمان علیه السلام این اندازه کوتاه و زودگذر باشد، هفتاد سال غیبت صغرا، دوازده قرن غیبت کبرا، این همه زمینه سازی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام و نیز دستورات فراوان برای ساختن جامعه و مهیا کردن آن برای ورود به دوران ظهور چه توجیهی دارد؟ آیا برای یک حکومت هفت ساله _ هر چند ایده آل _ این همه انتظار، تلاش و هجران لازم است؟

در این نوشتار با بررسی روایات و جرح و تعدیل آن ها و بیان راه حل های ارائه شده و جمع بندی شان، پاسخی شایسته به این پرسش خواهیم داد؛ ان شاء الله.

پیش از بررسی متن و اسناد روایات، توجه به دو نکته ضروری است:

نکته نخست. با توجه به دیدگاه خاص حدیثی اهل سنت،^۱ در بین روایات آنان مواردی به چشم می خورد که کلام معصوم علیه السلام نیست و بدون استناد به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا امیرالمؤمنین علیه السلام دیدگاهی را از صحابه نقل کرده اند و با توجه به این که:

1. در تفکر شیعه، کلام غیرمعصوم به عنوان روایت تلقی نمی شود؛

2. در میان اهل سنت نیز دیدگاه حجیت کلام صحابی مخالفانی دارد؛

3. بسیاری از طرفداران حجیت کلام صحابی، آن را مقید به مخالف نبودن با کلام دیگر صحابه کرده اند (نووی، 1407: ج 8، 220؛ مبارکفوری، 1410: ج 2، 213 عن الائمة الحنفیة) و در این بحث، کلام نقل شده از صحابه، هم با احادیث نبوی مخالفتی صریح دارد و هم با کلام دیگر صحابه ناسازگار است؛

در این تحقیق به چنین مواردی بهایی داده نخواهد شد (برای مثال، نک: ابن طاووس، 1416: 164، 166، 169، 245، 246؛ مروزی، 1414: 232 و 234؛ ابن اثیر، 1364: ج 1، 263؛

1. بنابر دیدگاه اهل سنت، به روایاتی که از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده، خبر می گویند و به مواردی که از صحابه بدون استناد به پیامبر نقل می کنند، لفظ اثر اطلاق می شود. در حجیت اثر و قول صحابی بین آنان اختلاف است؛ گروهی اقوال صحابه را مانند روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حجت می دانند (حاکم نیشابوری، بی تا: ج 4، 296، عن الشیخین المسلم و البخاری؛ غزالی، 1417: 168 نقلاً عن قوم) و عده ای نیز این کلام را نپذیرفته و آرای صحابه و تابعین را حجت نمی دانند (غزالی، 1417: 168؛ رازی، 1412: ج 6، 129).

ابن حبان، 1414: ج 15، 159؛ متقی هندی، 1409: ج 14، 262، ح 38653؛ مقدسی شافعی، 1399: 239).

نکته دوم. در منابع اهل سنت برخی موارد با لفظ «رُوی» یا «فی روایة» یا الفاظ مشابه، بدون استناد صریح به پیامبر ﷺ بیان شده است. با توجه به این که گروهی از اهل سنت با سخن صحابه و تابعین برخورد روایی می کنند، نمی توان مطمئن بود که مراد آنان از تعبیر «رُوی» یا «فی روایة» نقل کلام پیامبر ﷺ باشد؛ بر همین اساس نمی توان این موارد را نیز در شمار روایات به شمار آورد (برای مثال، نک: ابن طاووس، 1399: 177، ح 287؛ ابن بطریق، 1407: 433، ح 910 عن الجمع بین الصحاح؛ عسکری، 1397: ج 1، 322، 356).

بررسی متن و اسناد روایات

روایات مدت حکومت امام زمان ﷺ به دو دسته کلی تقسیم می شود:

الف) روایاتی که به صورت مبهم وارد شده و مدت خاصی را ذکر نکرده اند؛

ب) روایاتی که حکومت آن حضرت را دارای مدتی معین دانسته اند.

روایات مبهم

روایت یکم

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ أَبِيهِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ لَهُ: يَا عَمُّ! يَمْلِكُ مِنْ وُلْدِي اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً ... ثُمَّ يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ ﷺ مِنْ وُلْدِي يُصَلِّحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ يَمُكُّثُ فِي الْأَرْضِ مَا شَاءَ اللَّهُ؛ (ابن شهر آشوب، 1376: ج 1، 252)

از عباس بن عبدالمطلب از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که حضرت فرمودند: ای عمو، از فرزندان من دوازده خلیفه به حکومت می رسند... سپس مهدی از فرزندان من خروج می کند. خداوند کار او را در یک شب درست می کند. او زمین را مملو از عدالت می کند، همان طور که از ظلم پر شده بود و به هر مقدار که خدا بخواهد در زمین باقی خواهد ماند.

تعبیر به «یمکث فی الارض ما شاء الله» در این روایت، یعنی به هر مقدار که خداوند بخواهد روی زمین زندگی می کند و مدت خاصی را برای حکومت حضرت معین نکرده است.

روایت دوم

عن بعض مؤلفات اصحابنا عن المفضل بن عمر قال: سألت سیدی الصادق ﷺ... قَالَ الْمُفَضَّلُ: يَا مَوْلَايَ! فَكَمْ تَكُونُ مُدَّةَ مُلْكِهِ؟ فَقَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ...: «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ»

(هود، 108) وَ الْمَجْدُودُ الْمَقْطُوعُ أَيْ عَطَاءٌ غَيْرَ مَقْطُوعٍ عَنْهُمْ بَلْ هُوَ دَائِمٌ أَبَدًا وَ مُلْكٌ لَا يَنْفَدُ وَ حُكْمٌ لَا يَنْقَطِعُ وَ أَمْرٌ لَا يَنْطَلُ إِلَّا بِاخْتِيَارِ اللَّهِ وَ مَشِيئَتِهِ وَ إِزَادَتِهِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ثُمَّ الْقِيَامَةُ وَ مَا وَصَفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ؛ (مجلسی، 1403: ج 53، 34، باب 25، ح 1)

مفضل از امام صادق علیه السلام می پرسد: مدت حکومت قائم علیه السلام چه مقدار است؟ امام صادق علیه السلام با استناد به آیه ﴿إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ﴾ می فرماید: «والمجدوذ» یعنی مقطوع؛ یعنی عطایی که از ایشان قطع نمی شود، بلکه دائم و ابدی است و حکومتی است که زمانش تمام نمی شود و حکمی است که قطع نمی شود و امری است که باطل نمی شود مگر به اختیار خدا و خواست و اراده او، و این را غیر از خداوند نمی داند و بعد از آن قیامت و وقایعی است که خداوند در کتابش توصیف کرده است. امام صادق علیه السلام در این روایت، مدت حکومت امام زمان علیه السلام را وابسته به مشیت الهی دانسته و در ضمن، دوام آن را نیز بیان می فرماید.

روایت سوم

قال رسول الله ﷺ: حكاية عن الله في معراجة و لانصرته بجندی و لامدته بملائكتي حتى يعلن دعوتي و يجمع الخلق على توحيدى ثم لاديمن ملكه و لادولن الايام بين اوليائي إلى يوم القيامة؛ (صدوق، 1405: 256؛ همو، 1385: ج 1، 7)

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در روایت معراج، به نقل از خداوند تبارک و تعالی فرمود: حتماً او (امام مهدی علیه السلام) را با لشکریانم یاری می دهم و با ملائکه ام به او کمک می رسانم تا دعوت مرا علنی کند و خلق را بر یکتاپرستی و توحید من جمع کند و سپس به ملک او دوام می دهم و حکومت را بین اولیای خودم تا روز قیامت قرار خواهم داد.

در این روایت نه تنها ادامه دار بودن حکومت امام مهدی علیه السلام بیان شده، بلکه به بقای آن در بین اولیاء الله تا قیامت نیز تصریح می کند، اما به زمان معینی اشاره نشده است. اگر چه این دسته از روایات در نتیجه گیری بحث، مورد استفاده قرار می گیرند، اما به دلیل این که مدت خاصی را بیان نمی فرمایند، در این بخش، از بحث ما خارج هستند.

روایات بیان کننده مدت معین

این گروه از روایات نیز به دو دسته تقسیم می شوند:

1. روایاتی که مقدار کمتر از ده سال را برای حکومت آن حضرت بیان کرده اند؛
2. روایاتی که زمانی بیش از ده سال را برای حکومت آن حضرت بیان فرموده اند.

روایات دسته اول عمدتاً در منابع اهل سنت یافت می‌شود، البته در منابع شیعه نیز اخباری وجود دارد که بیان می‌کنند حکومت آن حضرت هفت سال است؛ اما توضیح می‌دهند که هر سال معادل ده یا بیست سال به طول می‌انجامد و چون این روایات در حقیقت، مدتی بیشتر از ده سال را برای حکومت امام مهدی علیه السلام رقم می‌زنند، در دسته دوم قرار می‌گیرند. روایات دسته دوم عمدتاً از منابع شیعی گزارش شده‌اند (خلیل حبه، 1429: 582؛ صفار نجفی، 1428: ج 13، 145).

در هر دو دسته از روایات، یا عددی معین را برای مدت حکومت امام مهدی علیه السلام ذکر کرده‌اند، یا بین چند عدد مردّد گذاشته‌اند.

روایات بیان کننده مدت زیر ده سال

الف) روایات عدد معین

1. هفت سال

روایت اول

عن ابی السعید الخدری انّ النبی صلی الله علیه و آله قال: لا تقوم الساعة حتی یملک رجل من اهل بیتی اجلی اقلنی یملاً الارض عدلاً کما ملئت قبله ظلماً یكون سبع سنین؛ (طبری، 1413: 469 و 480؛ ابن حنبل، بی تا: ج 3، 17؛ سیوطی، بی تا: ج 6، 57؛ موصلی، بی تا: ج 2، 367، ح 1128 با اندکی تفاوت؛ ابن حبان، 1414: ج 15، 238 با اندکی تفاوت)

ابی سعید خدری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: قیامت برپا نمی‌شود تا این که مردی از اهل بیت من به حکومت برسد. [او] چهره‌ای گشاده و بینی کشیده دارد؛ زمین را مملو از عدالت می‌کند، همان طور که از ظلم پر شده بود [و] هفت سال این گونه خواهد بود.

عبدالعظیم بستوی پس از بیان طرق متعدد در نقل این حدیث می‌گوید: «إسناده حسن» (بستوی، 1420 الف: 297-301) و حدیث را معتبر می‌داند؛ اما در جای دیگر مقداری از متن آن را در زمره احادیث بی‌سند ذکر کرده (همو، 1420 ب: 375) و از طریق شیعه نیز سندش ضعیف است. ۲.

2. این روایت در کتاب دلائل الامامة در دوجا و با دو سند مختلف نقل شده است:

سند اول: و اخبرنی ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی قال: حدّثنا ابی (توثیق نشده) قال: حدّثنا ابوعلی الحسین بن محمد النهانندی (توثیق نشده) قال: حدّثنا ابن ابی حیة قال: حدّثنا اسحاق بن ابی اسرائیل قال: حدّثنا جریر عن مطر الوراق (مطر بن طهان الوراق ابو رجاء خراسانی السلمی _ توثیق

اما از نظر دلالت، مرجع ضمیر در لفظ «یکون» _ چه به ملک مستفاد از یمَلک برگردد و چه به رجل _ به مدت حاکمیت امام مهدی علیه السلام اشاره دارد.

از همین راوی (ابی سعید خدری) چند روایت دیگر نیز با همین مضمون _ البته با تعابیر متفاوت _ نقل شده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام مِنْنِي أَجَلِي الْجَبِيهَةُ أَقْنَى الْأَنْفِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُيِّتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ؛ (مروزی، 1414: 222؛ صنعانی، بی تا: ج 11، 371، ح 20769؛ ابوداود، 1410: ج 2، 310، ح 4285؛ طبری، 1413: 469 ح 2-6)

ابی سعید خدری از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند: مهدی علیه السلام از من است؛ چهره‌ای گشاده و بینی کشیده دارد. [او] زمین را مملو از قسط و عدالت می کند، همان طور که از جور و ظلم پر شده بود [و] هفت سال حکومت خواهد کرد.

عبد العظیم بستوی پس از بیان طرق متعدد در نقل این حدیث می گوید: «الحدیث حسن لشواهد» (بستوی، 1420 الف: 166-175) و این حدیث را معتبر می داند؛ اما سند این روایت از طریق شیعه ضعیف است. ۳

اما از جهت دلالت واضح است و در حکومت هفت ساله آن حضرت صراحت دارد.

نشده) قال: اخبرنا ابو الصديق الناجي عن ابي سعيد الخدری. (سند ضعیف است _ طبری، 1413: 469)

سند دوم: و اخبرني ابو عبدالله احمد بن محمد بن عبد الله بن خالد الكاتب (توثيق نشده) قال: اخبرنا ابوالحسن احمد بن جعفر بن محمد بن محمد بن محمد الخلال (توثيق نشده) قال: حدثني محمد بن اسكاب و الحسن بن منصور بن الجصاص (هرچند در این جا سند دوتا می شود، ولی چون راوی از هر دو مجهول است، باز تفاوتی در ضعف سند نمی کند) قالوا: حدثنا ابو النضر قال: حدثنا شيبان عن مطر الوراق عن ابي الصديق عن ابي سعيد. (همو: 480)

3. سند دلائل الامامة: و اخبرني ابوالحسن محمد بن هارون بن موسى عن ابيه (توثيق نشده) قال: حدثنا ابو علي حسين بن محمد النهاوندي (توثيق نشده) قال: حدثنا جرير عن مطر الوراق قال: اخبرنا ابو الصديق الناجي عن ابي سعيد الخدری ان النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قال: ... [با کمی تفاوت در متن]. (طبری، 1413: 496)

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: يخرج رجل من امتی يعمل بسنتی ينزل الله البركة من السماء و تخرج له الارض برکتها يملأ الارض عدلاً كككك كما ملئت جوراً يعمل سبع سنين على هذه الامه و ينزل بيت المقدس؛ (الدانی، 1416: ج 5، 1063، 584؛ طبرانی، 1415: ج 2، 15)

از ابی سعید خدری از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: مردی از امت من خروج می‌کند، به سنت من عمل خواهد کرد، خداوند برکت را از آسمان نازل می‌کند و زمین برای او برکاتش را بیرون می‌ریزد؛ زمین را مملو از عدالت می‌کند، همان‌طور که از جور پر شده بود؛ [او] هفت سال بر این امت حکومت می‌کند و در بیت المقدس فرود خواهد آمد.

عبد العظیم بستوی این روایت را با اندکی تفاوت در متن ذکر کرده و برای سند آن سه طریق نقل می‌کند و در پایان نتیجه می‌گیرد که سند روایت ضعیف است (بستوی، 1420ب: 256-259). از نظر دلالت نیز اگر چه در این روایت به نام امام زمان ﷺ تصریح نشده، اما بی‌گمان، مقصود از تعبیر «رجل» با توجه به ویژگی‌های بیان شده و با کمک روایات دیگر، امام زمان ﷺ است و تعبیر به «یعمل» نیز در این روایت به نوعی اشاره به حکومت دارد.

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: يقوم في آخر الزمان رجل من عترتي شاب حسن الوجه اجلي الجبين اقنى الانف يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً و يملك كذا و كذا سبع سنين؛ (الدانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۱۰۳۸، ح ۵۵۳)

از ابی سعید خدری از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: مردی از عترت من در آخر الزمان خروج می‌کند؛ جوان، خوش‌صورت دارای پیشانی گشاده و بینی کشیده است؛ زمین را مملو از قسط و عدالت می‌کند، همان‌طور که از ظلم و جور پر شده بود و این‌گونه _ اشاره با دست _ هفت سال حکومت خواهد کرد.

عبدالعظیم بستوی این روایت را با کمی تفاوت در متن حدیث نقل کرده و درباره سند می‌گوید: «ضعیف جداً» (بستوی، 1420ب: 276-277).

و اما از نظر دلالت، لفظ «کذا» در این روایت دو معنا می‌تواند داشته باشد؛ یکی این‌که حکومت حضرت با برقراری قسط و عدل، هفت سال به طول می‌انجامد؛ دوم این‌که لفظ «کذا» اشاره با دست باشد و حضرت عدد را نیز با تأکید نشان داده، همان‌طور که در روایت بعد بیان خواهد شد.

روی بسنده عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: ... المهدى من أهل البيت أشم الأنف أقنى أجلى يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً يعيش هكذا و بسط يساره و اصبعين

من یمینه المسبحة و الإبهام و عقد ثلاثة؛ (حاکم نیشابوری، بی تا: ج 4، 557؛ ابن طاووس، 1416: 323، ح 466 به نقل از کتاب الفتن ذکر یا)

از ابی سعید خدری از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: مهدی از ما اهل بیت، است؛ بینی باریک و کشیده و پیشانی گشاده دارد؛ زمین را مملو از قسط و عدالت می کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده بود، و این مقدار _ انگشتان دست چپ و دو انگشت از دست راست (شصت و اشاره) را باز کردند _ هفت سال زندگی خواهد کرد.

بستوی این روایت را در زمره احادیث صحیحه ذکر می کند (بستوی، 1420 الف: 166)، اما در منابع شیعه سند ندارد.

و اما از نظر دلالت در این روایت عددی را بیان نفرموده، بلکه پیامبر ﷺ به صورت اشاره با دست، هفت انگشت مبارک را نشان می دهد که ظاهراً منظور هفت سال است. هر چند در این روایت، تعبیر «حکومت» نیامده است، اما مدت زندگی امام مهدی ﷺ را بیان می فرماید که مدت حکومت ایشان را نیز دربر می گیرد.

در بخش جمع بندی تحلیل ها بیان خواهیم کرد که چون در این روایت تعبیر به سال نشده، می تواند مؤید قول کسانی باشد که می گویند شاید عدد زیر ده اشاره به دوره های حکومت ایشان باشد نه مدت آن.

روایت دوم

ابهریره یقول: حدثنی خلیلی ابوالقاسم ﷺ: لا تقوم الساعة حتی یخرج علیهم رجل من اهل بیتی فیضربهم حتی یرجعوا الی الحق. قال: قلت: و کم یکون؟ قال: خمس و اثنین [كذا]. قال: قلت: ما خمس و اثنین؟ قال ابا هریره: لا ادری؛ (موصلی، بی تا: ج 12، 19، ح 6665؛ هیثمی، 1408: ج 7، 315)

ابهریره می گوید: خلیل من ابوالقاسم (پیامبر ﷺ) به من فرمود: قیامت برپا نمی شود تا این که مردی از اهل بیت من بر ایشان خارج شود؛ پس آن ها را بزند تا این که به حق برگردند. می گوید: به ایشان عرض کردم: چه مدت زمانی این گونه است؟ [با اشاره با دست] فرمود: پنج و دو. راوی می گوید: به ابهریره گفتم: پنج و دو یعنی چه؟ او گفت: نمی دانم.

عبدالعظیم بستوی پس از این که دو طریق برای روایت فوق درست می کند درباره سند آن می گوید: «سناده ضعیف» (بستوی، 1420 ب: 237-239)؛ اما از نظر دلالت در این روایت به عدد هفت

تصریح نشده، ولی فرموده است: «پنج و دو» و لفظ «کذا» در روایت، تأکید بر اعداد پنج و دو است و احتمال دارد برای بیان اشاره پیامبر ﷺ به کار رفته باشد.

در بخش جمع‌بندی تحلیل‌ها باز خواهیم گفت که چون در این روایت تعبیر به سال نشده، می‌تواند مؤید قول کسانی باشد که می‌گویند: شاید عدد زیر ده سال اشاره به دوره‌های حکومت آن حضرت باشد نه مدت آن، خصوصاً با این قرینه که راوی این خبر نیز از اشاره حضرت، سال را نفهمیده است.

روایت سوم

و عن أم سلمة زوج رسول الله ﷺ قالت: قال: ... فيقسم المال و يعمل بستى _ أو قال: _ بسنة نبهيم، و يلقى الإسلام بجرانه إلى الأرض فلبث سبع سنين؛ (ابن بطريق، 1407: 433 - 434؛ ابن حنبل، بی تا: ج 6، 316؛ ابوداود، 1410: ج 2، 310-311؛ موصلی، بی تا: 12، 370؛ ابن جبان، 1414: ج 15، 159)

از ام سلمه همسر پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که آن حضرت فرمود: ... پس هفت سال خواهد ماند....

عبدالعظیم بستوی پس از این که روایت را به طرق متعدد ذکر می‌کند، نتیجه می‌گیرد که سندها همه ضعیفند (بستوی، 1420 ب: 324-334).

دلالت روایت: اگرچه در این روایت نیز به نام امام مهدی ﷺ تصریح نشده، اما با مقایسه آن با سایر روایات می‌فهمیم که درباره آن حضرت است. همچنین در این روایت نیز مدت حیات حضرت بر روی زمین را بعد از تشکیل حکومت، هفت سال می‌داند و این اعم از مدت حکومت است، ولی ثابت می‌کند که مدت حکومت بیش از هفت سال نخواهد بود.

از جناب ام سلمه روایت دیگری درباره حکومت هفت ساله نقل شده است:

عن ليث عن أبي جعفر محمد بن علي بن حسين عن أم سلمة قالت: قال رسول الله ﷺ: ... فيعود عائذ بالحرم فيجتمع الناس إليه كالطائر الواردة المتفرقة حتى تجمع إليه ثلاثمائة و أربع عشر فيهم نسوة فيظهر علي كل جبار و ابن جبار و يظهر من العدل ما يتمنى له الاحياء أمواتهم فيحيا سبع سنين فإن زاد ساعة فأربع عشرة ثم ما تحت الأرض خير مما فوقها؛ (طبرانی، 1415: ج 5، 334)

ام سلمه از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند که فرمود: ... سپس پناهنده‌ای به حرم پناه می‌آورد و مردم مانند پرندگانی که از اطراف در یک جا جمع شوند، گرد او جمع خواهند شد تا جایی که سیصد و چهارده نفر دور او را می‌گیرند و در بین آن‌ها زنان نیز هستند و بر هر زورگو و فرزند زور گویی غالب می‌شود و عدالتی محقق می‌سازد که زندگان آرزو می‌کنند کاش گذشتگان بودند و می‌دیدند. و [او]

هفت سال زندگی می‌کند؛ پس اگر از هفت سال بیشتر شود، بیش از چهارده ساعت نخواهد شد و پس از آن، آن‌چه زیر زمین است از آن‌چه روی زمین است بهتر خواهد بود.

همیشگی پس از نقل این روایت از طبرانی می‌گوید: رجال روایت همه صحیح هستند، غیر از لیث بن ابی سلیم که اهل تدلیس بوده وضعیف است (همیشگی، 1408: ج 7، 315).

بستوی روایت را در شمار روایات ضعیف نقل می‌کند و می‌گوید: تمام رجال حدیث، غیر از لیث بن ابی سلیم، ثقه هستند (بستوی، 1420: ب: 321-323).

در رجال شیعه نیز بیان شده که لیث بن ابی سلیم از راویان اهل سنت است که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت نقل می‌کند و او را مجهول دانسته‌اند (حلی، 1392: 496؛ حلی، 1417: 249؛ طوسی، 1415: 144).

در این روایت اگرچه به نام امام مهدی علیه السلام تصریح نشده و به عنوان پناهنده‌ای که به حرم پناه آورده مطرح می‌شود، اما با توجه به سایر مطالب مطرح شده در روایت، وی شخصی غیر از امام زمان علیه السلام نخواهد بود.

همچنین این روایت مدت حیات حضرت را هفت سال می‌داند و این اعم از مدت حکومت است، ولی ثابت می‌کند که مدت حکومت بیش از هفت سال نخواهد بود.

2. نه سال

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يُصِيبُ النَّاسَ بَلَاءٌ شَدِيدٌ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً، فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِتْرَةِ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يُخْرِزُ زَيْتِيَهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ، وَتُرْسِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا لَا تُمْسِكُ مِنْهُ شَيْئًا، يَعِيشُ فِي ذَلِكَ تِسْعَ سِنِينَ؛ (الدانی، 1416: ج 5، 1048-1049، ح 564)

از ابی سعید خدری نقل شده که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به مردم بلای سختی می‌رسد تا آن‌جا که شخص، راه فرار و پناهگاهی پیدا نکند بعد از آن خداوند مردی را از نسل اهل بیت من می‌فرستد و او زمین را مملو از عدل و قسط می‌کند، همان‌طور که از ظلم و جور پر شده بود. اهل آسمان و زمین ایشان را دوست دارند؛ آسمان بارانش را می‌فرستد و زمین گیاهانش را خارج می‌کند و چیزی از آن نگه‌نمی‌دارد. [او] در این حالت نه سال زندگی می‌کند.

این روایت در منابع شیعه وجود ندارد و تنها در منابع اهل سنت آمده است. بستوی نیز درباره سند آن حکم به ضعف می‌دهد (بستوی، 1420: ب: 254 - 255).

دلالت روایت: لفظ «رجل» در روایت مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا به قرینه سایر روایات، معلوم می‌شود که مراد امام مهدی علیه السلام است؛ ولی لفظ «یعیش فی ذلک» اگر از آن این‌گونه برداشت شود که زندگی امام در حال گسترش عدل و نزول برکات و... نه سال ادامه دارد، شاید نتوان از آن، مدت حیات و حکومت امام زمان علیه السلام را دریافت.

از ابوسعید خدری این عدد به گونه‌ای دیگر نیز نقل شده است:

و من ذلک ما رواه أيضاً فی الجمع بین الصحاح الستة عن أبي سعيد الخدری قال: قال رسول الله ﷺ المهدي مني أجلي الجبهة أقي الأنف يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً و يملك سبع سنين، و فی رواية عن هشام: تسع سنين، و فی رواية الفراء فی کتاب المصابيح مثل الحديث بهذه الألفاظ إلا أنه قال: يملك تسع؛ (ابن طاووس، 1399: 177، ح 287؛ ابن بطريق، 1407: 433 ح 910 عن الجمع بين الصحاح)

و از همین قبیل است آنچه از الجمع بین الصحاح الستة از ابی سعید خدری روایت کرده که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: ... و در روایتی از هشام، نه سال ذکر شده و در روایت فراء از کتاب المصابيح، همین روایت به همین مضمون است، الا این که می‌گوید: نه سال حکومت می‌کند.

3. زیر ده سال

عن علی عليه السلام قال: ليخرجن رجل من ولدي عند اقتراب الساعة ... فيحي الله بالمهدي محمد بن عبد الله السنن التي قد أميتت، و يسر بعدله و برکته قلوب المؤمنین و تتألف إليه عصب من العجم و قبائل من العرب، فيبقى على ذلك سنين، ليس بالكثيرة دون العشرة ثم يموت؛ (متقی هندی، 1409: ج 14، 591-592 به نقل از الملاحم ابن منادی)

از امام علی عليه السلام نقل شده است که حتماً مردی از فرزندان من نزدیک قیامت خروج خواهد کرد ... پس خداوند به وسیله مهدی _ محمد بن عبدالله _ سنت‌های مرده را زنده خواهد کرد و به سبب عدل او و برکت وجود او قلب‌های مؤمنان شاد خواهد شد و گردهمایی عجم به سوی او تشکیل خواهد شد و قبایلی از عرب نیز حمایت می‌کنند و بر همین حالت چند سالی که بیش از ده سال نخواهد شد باقی می‌ماند و سپس می‌میرد.

متقی هندی سند روایت را ذکر نکرده است. بستوی نیز این روایت را در زمره روایات بی‌سند می‌آورد (بستوی، 1420: ب: 380).

از دیدگاه شیعه نیز این روایت پذیرفتنی نیست؛ زیرا علاوه بر جهت سندی، نام پدر حضرت مهدی علیه السلام را عبدالله می‌داند و این با روایات و عقاید شیعه سازگاری ندارد.

4. ده سال

حذیفه بن یمان عن النبی صلی الله علیه و آله: ... یرضی بخلافته اهل السموات و الارض و الطیر فی الجو یملک عشر سنین؛ (عسکری، 1397: ج 1، 341، عن نسخه من الفصول المهمه؛ مالکی مکی، 1422: ج 2، 1108-1109، پاورقی 1، نسخه الف عن فردوس الاخبار یاسناده عن حذیفه بن الیمان؛ ماحوذی، 1417: 208 عن فردوس الاخبار)

حذیفه بن یمان از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که ... اهل آسمان و زمین از خلافت او (امام مهدی علیه السلام) راضی می‌شوند و پرندگان در هوا هم، ده سال حکومت می‌کند.

منابع روایی، این روایت را بدون سند وبا استناد به کتاب فردوس الاخبار نقل کرده‌اند و به دلیل در دسترس نبودن نسخه کتاب یادشده، مشخص نیست که نویسنده سند آن را ذکر کرده یا آن را بدون سند نقل نموده است؛ بر این اساس اظهار نظر درباره اعتبار این روایت ممکن نیست.

(ب) روایات تردید

1. پنج یا هفت

عن ابی سعید الخدری ... عن النبی صلی الله علیه و آله قال: یرخر المهدی فی امتی خمساً أو سبعا _ شک ابو الجوارى (زید) _ قلنا: ای شیء؟ قال: سنین؛ (سیوطی، بی‌تا: ج 6، 57، به نقل از احمد و ترمذی و ابن‌ماجه)

از ابی سعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: مهدی در امت من خروج می‌کند پنج یا هفت (این شک از جانب زید ابوالجوارى است). گفتیم: چه چیزی؟ گفت: سال.

سیوطی این متن را از این سه نفر نقل می‌کند، در حالی که در سنن احمد و ترمذی لفظ «خمساً أو سبعا أو تسعاً» (ترمذی، 1403: ج 3، 343، باب 44، ح 2333؛ ابن‌حنبل، بی‌تا: ج 3، 21) و در سنن ابن‌ماجه لفظ «ان قصر فسیع و الا فتسع» آمده است (قزوینی، بی‌تا: ج 2، 1367).

این روایت نه در منابع اهل سنت و نه در منابع شیعه سند ندارد و به نظر می‌رسد همان روایت ابی سعید خدری درباره هفت سال است و تردید زید ابوالجوارى باعث این مشکل شده است.

2. پنج یا هفت یا نه

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: خَشِينَا أَنْ يَكُونَ بَعْدَ نَبِينَا [فِينَا] حَدَثُ فَسَأَلْنَا نَبِيَّ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيِّ ﷺ يَخْرُجُ يَعِيشُ خَمْسًا أَوْ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا _ زَيْدُ الشَّكْرِ _ . قَالَ: قُلْنَا: وَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: سِنِينَ؛ (مجلسی، 1403: ج 51، 88؛ ترمذی، 1403: ج 3، 343، باب 44، ح 2333؛ اربلی، بی تا: ج 2، 478 با اندکی تفاوت؛ متقی هندی، 1409: ج 14، 262 ح 38654 با اندکی تفاوت؛ ابن حنبل، بی تا: ج 3، 21 با اندکی تفاوت)

از ابی سعید خدری نقل شده که گفت: ما ترسیدیم بعد از پیامبر ﷺ [درباره ما] اتفاقی بیفتد. از پیامبر گرامی اسلام ﷺ [در این باره] سؤال کردیم، فرمود: همانا در امت من مهدی است. [او] خروج می کند و پنج یا هفت یا نه زندگی می کند (تردید از جانب زید [راوی زید ابوالجوار] است) می گوید: گفتیم: و آن چیست؟ فرمود: سال.

بنابر نقل عبدالعظیم بستوی این روایت از دو طریق نقل شده است و هر دو اسناد ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست (بستوی، 1420 ب: 68-70). دلالت روایت نیز در پایان این دسته از روایات بررسی خواهد شد و مراد از زید، زید ابوالجوار (ابالجاروی) است.

به نظر می رسد این روایت نیز همان روایت ابی سعید خدری درباره هفت سال است و تردید از جانب زید ابوالجوار است.

3. شش یا هفت

ام سلمه قالت: قال رسول الله ﷺ: ... فيخرج رجل من بني هاشم ... يعيش في ذلك سبع سنين او ست سنين؛ (طبرانی، 1405: 23، 390)

ام سلمه می گوید: پیامبر ﷺ فرمود: پس مردی از بنی هاشم خروج می کند ... در این حالت هفت یا شش سال زندگی می کند.

این روایت از طریق اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد و دلالت آن نیز در پایان این دسته از روایات بررسی خواهد شد.

درباره این روایت گفتنی است مراد از «رجل من بنی هاشم» به قرینه روایات دیگر، امام مهدی ﷺ است.

4. شش یا هفت یا نه

ابی سعید عن النبی ﷺ: ... و يملك ستاً أو سبعا أو تسعاً؛ (عسکری، 1397: ج 1، 330، ح 18 به نقل از مقدسی شافعی، 1399: باب 1، ح 3)

ابی سعید از پیامبر ﷺ نقل کرده که ... و شش یا هفت یا نه سال حکومت می کند.

این روایت در منبع اصلی (عقد الدرر) به این صورت آمده: «یملک سبعاً أو تسعاً» و لفظ «ستاً» ندارد (مقدسی شافعی، 1399: 16). بنابر این در جای مربوط به خود ۴ بررسی خواهد شد.

5. هفت یا هشت

عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله ﷺ أبشركم بالمهدى ﷺ... فيكون كذلك سبع سنين أو ثمان سنين، ثم لا خير في العيش بعده، أو قال: ثم لا خير في الحياة بعده؛ (اربلي، بی تا: ج 2، 483) ابی سعید خدری می گوید: پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: به شما بشارت می دهم درباره مهدی ﷺ ... پس همین طور تا هفت یا نه سال باقی خواهد بود [و] پس از آن خیری در زندگی نیست.

این روایت از طریق اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد و از نظر دلالت هم در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

از همین راوی (ابی سعید خدری) دو روایت دیگر با همین مضمون، البته با تعابیر متفاوت نقل شده است:

أبي سعيد الخدري _ رضی الله عنه _ ان رسول الله ﷺ قال: يخرج في آخر أمتي المهدي ... يعيش سبعا أو ثمانياً يعني حججاً؛ (حاکم نیشابوری، بی تا: ج 4، 558)

ابوسعید خدری از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی در آخر امت من خروج خواهد کرد... هفت یا هشت زندگی می کند، یعنی هفت یا هشت حج [که منظور سال است].

این روایت نیز از منابع اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد و دلالت آن نیز بررسی خواهد شد.

عن ابي الصديق الناجي عن ابي سعيد الخدري قال: ذكر رسول الله بلاء يصيب هذه الامه ... فيبعث الله رجلاً من عترتي ... يعيش في ذلك سبع سنين أو ثمان سنين؛ (عسکری، 1397: ج 1، 335، ح 26 از کتاب البیان و الطبرانی فی معجمه و ابونعیم فی مناقب المهدي ﷺ)

ابوصدیق ناجی از ابوسعید خدری از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده که حضرت درباره بلایی که به این امت می رسد سخن فرمود: ... سپس خداوند مردی را از عترت من برمی انگیزد ... در این حال هفت یا هشت سال زندگی می کند.

این روایت هم از طریق اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد و از نظر دلالت نیز در پایان همین بخش بررسی می شود.

4. رقم 6، روایت 1.

6. هفت یا نه

روایت یکم

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: ... ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عَتْرَتِي يَمْلِكُ سَبْعًا أَوْ تِسْعًا؛ (ابن حنبل، بی تا: ج 3، 28؛ مقدسی شافعی، 1399: 16)

پیامبر ﷺ فرمود... و در آن هنگام مردی از خاندان من به پا می‌خیزد [و] هفت یا نه سال حکومت می‌کند.

اگرچه عبدالعظیم بستوی پس از بیان سه طریق در نقل این حدیث می‌گوید: «الحدیث حسن لشواهد» (بستوی، 1420 الف: 302-305)، ولی در جایی دیگر، روایتی شبیه به این متن را در زمره احادیث بی سند نقل می‌کند (همو، 1420 ب: 375). دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی می‌شود.

از ابی سعید خدری چند روایت دیگر نیز با همین مضمون _ البته با تعابیری متفاوت _ نقل شده است:

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: ان من اهل بیتی... یعیش هکذا اومی بیده سبع أو تسع؛ (مقدسی شافعی، 1399: 20؛ کورانی، 1411: ج 1، 110-111)

از ابی سعید از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است که فرمود: «همانا از اهل بیت من ... به این مقدار زندگی می‌کند» و با دست به عدد هفت یا نه اشاره کرد.

بنا بر منابع اهل سنت و همچنین مطابق منابع شیعه، این روایت سند ندارد. دلالت آن نیز در پایان این بخش بررسی خواهد شد.

نکته مهم در این روایت، این است که با اشاره _ و نه به صورت لفظ _ عددی را بیان فرموده و شاید بتوان آن را اشاره به دوره‌های حکومتی حضرت دانست که در بخش تحلیل‌ها قابل استفاده است.

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ ﷺ إِنْ قَصُرَ فَسَبْعٌ وَإِلَّا فَتِسْعٌ؛ (قزوینی، بی تا: ج 2 ص 1367) و (حاکم نیشابوری، بی تا: ج 4 ص 558)

ابوسعید از پیغمبر ﷺ نقل کرده که فرمود: مهدی ﷺ در امت من خواهد بود؛ چون ظهور کند اگر کوتاه باشد هفت و الا نه سال حکومت می‌کند.

این روایت به شش طریق از اهل سنت روایت شده و مطابق تخریج عبدالعظیم بستوی اسنادش ضعیف است، هرچند آن را شدید الضعف نمی‌داند (بستوی، 1420 ب: 62-67). دلالت این حدیث هم در پایان همین بخش بررسی می‌شود.

عن أبي سعيد الخدري عن النبي ﷺ قال: هو رجل من عترتي أو قال من امتي يعيش سبعا أو تسعاً؛ (مروزی، 1414: 233؛ الدانی، 1416: ج 5، 1033، ح 549؛ ابن طاووس، 1416: 165، باب 178، ح 222 عن نعیم بن حماد)

ابوسعید خدری از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی ﷺ هفت یا نه سال زندگی می‌کند.

عبدالعظیم بستوی، پس از ذکر سه طریق برای روایت، آن را ضعیف می‌شمرد (بستوی، 1420 ب: 78).

در الملاحم سید بن طاووس نیز افزون بر وجود افراد مجهول در سند، لفظ «عن رجل من اهل حجر» آمده که هم مبهم و هم مجهول است و سند را از اعتبار ساقط می‌کند. ۵ دلالت این روایت نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

روایت دوم

عن قتادة يرفعه الى النبي ﷺ: ... فيستخرج الكنوز و يقسم المال و يلقى الإسلام بجرّانه إلى الأرض يعيش في ذلك سبع سنين أو قال تسع سنين؛ (هیشمی، 1408: ج 7، 315؛ صنعانی، بی‌تا: ج 11، 371، ح 20769؛ طبرانی، 1415: ج 2، 35)

قتاده مرفوعاً از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند که: ... پس گنج‌ها را استخراج می‌کند و مال را تقسیم می‌نماید و اسلام در سراسر کره زمین گسترش می‌یابد (تعبیر کنایی). در این حالت هفت سال _ یا فرمود نه سال _ زندگی می‌کند

این روایت در منابع اهل سنت، سند ندارد و مرفوعه است. دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

روایت سوم

5. بررسی سند: حدثنا نعیم، حدثنا المعمر بن سلیمان (مجهول) عن القاسم بن الفضل المراغی (مجهول) عن رجل من أهل حجر (مجهول _ مبهم).

عن عبد الله بن مسعود قال: قال رسول الله ﷺ: لو لم يبق من الدنيا إلا ليلة لطول الله تلك الليلة حتى يملك رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي و اسم أبيه اسم أبي يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً و يقسم المال بالسوية و يجعل الله الغنى في قلوب هذه الأمة فيملك سبعاً أو تسعاً لا خير في عيش الحياة بعد المهدي؛ (اربلى، بی تا: ج 3، 267)

از عبدالله بن مسعود از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: اگر تنها یک شب از دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن شب را طولانی خواهد کرد تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد که اسم او هم نام من و اسم پدر او هم نام پدر من است. دنیا را مملو از قسط و عدل می کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود و مال را به صورت مساوی تقسیم می کند و خداوند روحیه بی نیازی را در قلب این امت قرار می دهد. پس هفت یا نه سال حکومت می کند و بعد از مهدی ﷺ خیری در زندگی نیست.

اربلی این روایت را از ابی نعیم نقل کرده و سند روایت را ذکر نمی کند. بستوی نیز روایت را در شمار روایات ضعیف و بی سند به شمار آورده است (بستوی، 1420: ب: 373).
7. هفت یا ده

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: يملك المهدي ﷺ أمر الناس سبعاً أو عشراً و أسعد الناس به اهل الكوفة؛ (قندوزی حنفی، 1416: ج 3، 300؛ بحرانی، بی تا: ج 7، 117)
ابوسعید از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: مهدی ﷺ حکومت مردم را به مدت هفت یا ده [سال] به دست می گیرد و با سعادت ترین مردم در آن زمان اهل کوفه اند.

سند روایت از اهل سنت است و سند شیعی ندارد؛ دلالت آن نیز در پایان بخش بررسی خواهد شد.
8. هفت یا هشت یا نه

روایت یکم

عن ابی سعید الخدری عن النبي ﷺ قال: المهدي ﷺ يعيش في ذلك يعني بعد ما يملك سبع سنين أو ثمان أو تسع؛ (مروزی، 1414: 233)
ابوسعید خدری از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی ﷺ بعد از ظهور و سلطنت، هفت یا هشت یا نه سال زنده می ماند.

این روایت با این متن نه در منابع اهل سنت سند دارد و نه در منابع شیعه؛ اما عبدالعظیم بستوی آن را با مقدار کمی تفاوت از مصنف عبدالرزاق (صنعانی، بی تا: ج 11، 372) و الفتن نعیم بن حماد نقل

کرده و پس از ذکر شش طریق برای آن، آن را ضعیف می‌شمرد (بستوی، 1420 ب: 251-255). دلالت آن هم در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

از ابی سعید خدری چند روایت دیگر با همین مضمون _ البته با تعابیری متفاوت _ نقل شده است:

سمعت ابا سعید الخدری قال: قال النبي ﷺ: يكون من امتي المهدي ﷺ فإن طال عمره أو قصر عمره عاش سبع سنين أو ثمان سنين أو تسع سنين ...؛ (ابن حنبل، بی تا: ج 3، 27؛ ابن طاووس، 1416: 324، ح 468 عن زكريا في كتاب الفتن؛ كوفي، 1409: ج 8، 678، ح 184 با اندکی تفاوت؛ هيثمي، 1408: ج 7، 317 با اندکی تفاوت؛ متقی هندی، 1409: ج 14، 274، ح 37706؛ فتال نیشابوری، بی تا: 485 با اندکی تفاوت؛ طبری، 1413: 477، ح 72/468)

ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدي ﷺ از امت من است. اگر عمر وی بلند یا کوتاه باشد، هفت یا هشت یا نه سال زندگی می‌کند.

عبدالعظیم بستوی پس از بیان سه طریق در نقل این حدیث، نتیجه می‌گیرد که «الحدیث حسن لشواهد» (بستوی، 1420 الف: 176-179) و آن را می‌پذیرد، اما در منابع شیعه سند درستی ندارد. ۶

این حدیث از جهت دلالت، نکاتی دارد که برای فهم این دسته از روایات کارگشاست و در پایان بخش، بررسی خواهد شد.

عن ابی سعید الخدری ان رسول الله ﷺ ذكر المهدي ﷺ فقال: فيمكث سبعا أو ثمانی أو تسعاً یعنی سنه و لاخیر فی العیش بعد هذا؛ (طبری، 1413: 472، ح 463 / 67؛ ابن طاووس، 1416:

6. سند دلائل الامامه؛ و عنه (محمد بن هارون) عن ابيه (هارون بن موسى) (مجهول _ توثيق نشده) عن ابی علی حسن بن محمد النهاوندي (توثيق نشده) قال: حدثني احمد بن زهير (مجهول) قال: حدثنا عبد الله بن عمر قال: حدثنا محمد بن مروان قال: حدثنا عماره بن ابی حبه قال: اخبرنا زيد العمی عن ابی الصديق الناجی عن ابی سعید الخدری.

سند الملاحم و الفتن سید بن طاووس: حدثنا محمد بن جریر قال: حدثنا ابن حمید (مجهول) قال: اخبرنا الحكم (مشترک _ مجهول) قال: اخبرنا خلد بن مسلم الصفاء (توثيق نشده) و عمرو بن قیس (مجهول) عن زيد العمی عن ابی الصديق الناجی.

323، ح 465 با اندکی تفاوت؛ ابن حنبل، بی تا: ج 3، 37 با اندکی تفاوت؛ هیشمی، 1408: ج 7، 314؛ سیوطی، بی تا: ج 6، 57؛ متقی هندی، 1409: ج 14، 266، ح 38669 با اندکی تفاوت) از ابی سعید خدری نقل شده که پیامبر گرامی اسلام درباره مهدی علیه السلام فرمود: پس هفت یا هشت یا نه سال می ماند و پس از آن خیری در زندگی نیست. این روایت از جهت سند ضعیف بوده و از مجاهیل نقل شده است ۷ و دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: یكون المهدي ﷺ فی أمتی إن قصر فسیع، وإلّا فثمان أو تسع؛ (ابن طاووس، 1416: 166) از ابی سعید خدری نقل شده که پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره مهدی ﷺ فرمود: مهدی ﷺ در امت من است. اگر [مدت حکومت او] کوتاه باشد هفت، وگرنه هشت یا نه سال خواهد بود. این روایت طبق منابع اهل سنت و همچنین بنابر منابع شیعه سند ندارد و عبدالعظیم بستوی نیز روایتی شبیه به این متن را در زمره احادیث بی سند نقل می کند (بستوی، 1420: ب 375).

عن ابی سعید عن رسول الله ﷺ: ... حتی تتمنی الاحیاء الاموات یعیش فی ذلک سبع سنین أو ثمان أو تسع سنین؛ (صنعانی، بی تا: ج 11، 372، ح 20770؛ ذهبی، 1413: ج 15، 253، ح 105؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج 4، 465 با اندکی تفاوت؛ سیوطی، بی تا: ج 6، 58 با اندکی تفاوت؛ متقی هندی، 1409: ج 14، 275، ح 38708 با اندکی تفاوت) ابوسعید از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: ... تا این که زندگان آرزوی زنده بودن مردگان را می کنند [تا باشند و این تنعم را ببینند]. در این حالت هفت یا هشت یا نه سال زندگی می کند.

7. سند دلائل الامامة؛ و قال ابو علی النهاوندی (مجهول) حدثنا ابوعلی هشام بن علی السیرافی (مجهول) قال: حدثنا عبد الله رجاء (مجهول) قال: حدثنا همام (مجهول) عن المعلى ابن زیاد (مجهول) قال: حدثني العلاء رجل من مزنيه (مجهول) عن ابی سعید الناجی عن ابن سعید الخدری. سند سید بن طاووس: ذکر فی کتاب الفتن قال: حدثنا محمد بن یحیی (مجهول) قال: حدثنا عبدالرزاق (مجهول) املاه من کتابه قال: حدثنا جعفر بن سلیمان (مجهول) قال: حدثنا المعلى بن زیاد (مجهول) قال: حدثنا العلاء بن بشیر المزنی (مجهول) عن ابی الصدیق الناجی عن ابی سعید خدری.

این روایت از اهل سنت است و سند شیعی ندارد و دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی می‌شود.

عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله ﷺ: أبشركم بالمهدى ﷺ... قال: فيكون ذلك سبع سنين أو ثمان سنين أو تسع سنين ثم لا خير في العيش بعده. أو قال: لا خير في الحياة بعده؛ (ابن طاووس، 1416: 322 - 323؛ ابن حنبل، بی تا: ج 3، 37؛ هيثمي، 1408: ج 7، 313 - 314)

ابوسعید از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمود: بشارت می‌دهم به شما درباره مهدی ... این حالت حکومت هفت یا هشت یا نه سال ادامه پیدا می‌کند و سپس خیری در زندگی پس از آن نخواهد بود. عبدالعظیم بستوی پس از آن که درباره سند این روایت سه طریق نقل می‌کند، اسناد حدیث را ضعیف می‌داند (بستوی، 1420: ب: 71-73). سند روایت از متون شیعه نیز ضعیف است. ۸.

عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله ﷺ: يكون في امتي المهدى ﷺ يكون سبع سنين أو ثمان سنين أو تسعاً؛ (بستوی، 1420: ب: 74-75 به نقل از العلل المتناهیة ابن جوزی) ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که در امت من مهدی ﷺ است هفت یا هشت یا نه سال خواهد بود.

عبدالعظیم بستوی پس از نقل روایت می‌گوید: اسناد حدیث به طور جدی ضعیف است.

روایت دوم

و عن أبي هريرة عن النبي ﷺ قال: يكون في أمتي المهدى إن قصر فسبع وإلا فثمان وإلا فتسع؛ (رواه الطبرانی فی الأوسط ورجاله ثقات؛ الدانی، 1416: ج 5، 1035-1036، ح 550؛ هيثمي، 1408: ج 7، 317؛ طبرانی، 1415: ج 5، 311؛ متقی هندی، 1409: ج 14، 274) ابوهریره از نبی اکرم ﷺ نقل کرده که فرمود: مهدی ﷺ در امت من است اگر [مدت حکومت وی] کوتاه باشد هفت، وگرنه هشت، وگرنه نه [سال] است

8. سند سید بن طاووس: ذکرها فی کتاب الفتن قال: حدثنا محمد بن يحيى (مجهول) قال: حدثنا عبدالرزاق (مجهول) املاه من كتابه قال: حدثنا جعفر بن سليمان (مجهول) قال: حدثنا المعلى بن زياد (مجهول) قال: حدثنا العلاء بن بشير المزني (مجهول) عن ابي الصديق التاجي عن ابي سعيد خدری.

اگرچه در مجمع الزوائد رجال حدیث مورد اعتماد به شمار آمده، ولی عبدالعظیم بستوی پس از گفت‌وگو درباره رجال این حدیث اسناد آن را ضعیف می‌شمرد (بستوی، 1420: ب: 40-44).

از ابی هریره روایت دیگری نیز با همین مضمون _ البته با قدری تفاوت _ نقل شده است:

و عن أبي هريرة قال: ذكر إلى رسول الله ﷺ المهدي، فقال: إن قصر فسبع وإلّا فثمان وإلّا فتسع وليملأن الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً؛ (هيشمی، 1408: ج: 7، 316)

از ابوهریره نقل شده که نام مهدی ﷺ نزد پیامبر ﷺ برده شد. حضرت فرمود: اگر [مدت حکومت وی] کوتاه باشد هفت [سال]، وگرنه هشت، وگرنه نه [سال] خواهد بود و حتماً زمین را مملو از قسط و عدل می‌کند، همان‌گونه که از جور و ظلم پر شده باشد.

عبدالعظیم بستوی همین روایت را با همین سند و منبع و همین متن نقل می‌کند و تردید را بین هفت و هشت بیان می‌دارد؛ اما در مدرک اصلی، تردید بین اعداد هفت، هشت و نه است و درباره سند روایت می‌گوید: «اسناد ضعیف» (بستوی، 1420: ب: 45).

9. هفت یا هشت یا ده

عن أبي سعيد الخدري عن النبي ﷺ قال: يكون في امتي المهدي ﷺ إن طال عمره ملك عشر سنين و إن قصر عمره ملك سبع سنين أو ثمان سنين؛ (ابن طاووس، 1416: 324، ح: 467، عن زكريا في كتاب الفتن)

ابوسعید خدری از رسول بزرگوار ﷺ روایت کرده که فرمود: مهدی ﷺ در میان امت من خواهد بود. اگر عمرش طولانی شود ده سال حکومت می‌کند و اگر کوتاه باشد هفت یا هشت سال سلطنت خواهد کرد.

سند این روایت خوب نیست و از مجاهیل نقل کرده ۹ و دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

10. نه یا ده

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله ﷺ: يملك المهدي تسعاً أو عشرًا أسعد الناس به اهل الكوفة؛ (کورانی، 1411: ج: 1، 305، ح: 197 عن كتاب فضل الكوفة)

9. سند سید بن طاووس: و ذکر زکریا ایضاً قال: حدثنا سفیان ابن وکیع (مجهول) قال: حدثنا ابومعاوية (مجهول) عن موسى الجهني (مجهول) عن زيد العمي عن ابی الصديق عن ابی سعید الخدری ...

ابوسعید از پیغمبر ﷺ نقل کرده که فرمود: مهدی ﷺ به مدت نه یا ده [سال] حکومت می‌کند. سعادت‌مندترین مردم در آن زمان اهل کوفه‌اند. منابع اهل سنت و شیعه این روایت را بدون سند نقل کرده‌اند. بررسی دلالت روایات تردید

تردید در این روایات یا از جانب ناقلان حدیث است که به صورت دقیق کلام معصوم ﷺ را نشنیده یا عدد دقیق را فراموش کرده‌اند، یا خود معصوم ﷺ به طور دقیق عددی را بیان نمی‌کند و آن را مردد بین چند گزینه قرار می‌دهد.

تردید، چه از جانب راوی باشد و چه از سوی معصوم ﷺ برای اثبات مدت حکومت بین اعداد مذکور قابل استناد است. برای مثال، هنگامی که می‌فرماید پنج یا هفت یا نه سال حکومت می‌کند، یعنی مدت حکومت امام زمان ﷺ کمتر از پنج سال و بیشتر از نه سال نیست.

با توجه به وجود قرائن، می‌توان گزینه یکم و تردید راوی را تقویت کرد. به عنوان نمونه، در روایت مربوط به تردید بین پنج یا هفت، یا روایت تردید بین نه و پنج و هفت تصریح کرده که تردید از سوی راوی (زید ابا الحواری) است. همچنین نقل‌های متفاوت از یک راوی مانند ابی‌سعید خدری و ابی‌هریره بیان‌گر این نکته است که یا راویان طبقات بعد، در نقل یک روایت از ابی‌سعید و ابی‌هریره دچار تزلزل و تعابیر گوناگون شده‌اند، یا خود وی عدد دقیق را که از معصوم شنیده فراموش کرده و محدوده حدس خود را بیان می‌کند.

البته این فرض که تردید از جانب معصوم باشد نیز با این توجیه که معصوم به سبب مصالحی عدد دقیق را بیان نفرموده باشد، بعید نیست.

با بررسی روایات، دانستیم که روایات عدد زیر ده سال بیشتر در منابع اهل سنت و معمولاً از سوی ابوسعید خدری نقل شده است. بر این اساس، قول به عدد زیر ده سال و به طور خاص، نظریه حکومت هفت ساله، بین اهل سنت مشهور شده است (هیتمی، 1428: 35-36 عن بعض الائمة).

5. روایات بیان کننده مدت بالای ده سال

1. نوزده سال

عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ﷺ يَقُولُ: وَاللَّهِ لَيَمْلِكَنَّ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ ثَلَاثِمِائَةَ سَنَةً [و ثلاث عشرة سنة] وَ يَزِدَادُ تِسْعًا. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: [و] مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ: فَقَالَ: بَعْدَ مَوْتِ الْقَائِمِ ﷺ. قُلْتُ لَهُ: وَ كَمْ يَقُومُ الْقَائِمُ فِي عَالَمِهِ حَتَّى يَمُوتَ؟ فَقَالَ: تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً مِنْ يَوْمِ قِيَامِهِ إِلَى يَوْمِ مَوْتِهِ؛

(نعمانی، 1422: 354، باب 26، ح 3؛ طوسی، 1411: 478 - 479، ح 505 با مقداری تفاوت در متن)

از جابر جعفی نقل شده که گفت: از اباجعفر [امام باقر علیه السلام] شنیدم که فرمود: به خدا قسم مردی از ما اهل بیت سیصد و نه سال [سیصد و سیزده سال] حکومت خواهد کرد. به ایشان عرض کردم: کی چنین خواهد شد؟ فرمود: بعد از وفات قائم علیه السلام به ایشان عرض کردم: قائم علیه السلام تا روز وفاتش چه مقدار در دنیا باقی خواهد بود؟ فرمود: نوزده سال از روز قیامش تا روز وفاتش. سند روایت خوب و مورد اعتماد ۱۰ و دلالت آن نیز صریح در مدت عمر آن حضرت است که قطعاً مدت حکومت آن حضرت بیشتر از این مقدار نخواهد بود.

10. سند الغیبه شیخ طوسی: الفضل بن شاذان، عن الحسن بن محبوب (امامی ثقة جلیل _ نجاشی 1416: 140 و 160)، عن عمرو بن أبی المقدم (ممدوح _ حلی، 1392: 144؛ ثقة _ واسطی بغدادی، 1422: 111)، عن جابر الجعفی (ثقة فی نفسه _ همو: 110؛ ممدوح _ کشی، 1348: 195-196).

اگر چه سند روایت از فضل بن شاذان تا امام علیه السلام خوب و مورد اعتماد است، ولی سند شیخ به فضل بن شاذان در کتاب الغیبه به چند گونه ذکر شده است:

(الف) حسین بن عبیدالله عن ابی جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری عن احمد بن ادريس عن علی بن محمد بن قتیبه؛

(ب) جماعه عن ابی جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری عن احمد بن ادريس عن علی بن محمد بن قتیبه؛

(ج) جماعه عن تلکبری عن احمد بن علی الرازی عن احمد بن ادريس عن علی بن محمد بن قتیبه.

در طریق اول و دوم، محمد بن حسین بن سفیان بزوفری وجود دارد که توثیق ندارد و در طریق دوم و سوم، «جماعه» مجهولند و در هر سه طریق نیز نام علی بن محمد بن قتیبه یا ابن قتیبه آمده که وثاقتش مورد اختلاف است و قول اصح این است که مورد اعتماد نیست (خویی، 1410: ج 12، 160). بنابر این سند شیخ طوسی برای این روایت از اعتبار کافی برخوردار نیست.

سند اصلی الغیبه نعمانی: اخبرنا احمد بن محمد بن سعید بن عقده قال: حدثنا محمد بن المفضل بن ابراهیم بن قیس بن رمانه الأشعری و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن الحسين بن عبد

2. نوزده سال و چند ماه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: يَمْلِكُ الْقَائِمُ عليه السلام تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُرًا؛
(نعمانی، 1422: 353، باب 26، ح 1)

از حمزه بن حرمان از عبدالله بن ابی یعفور از ابی عبدالله [امام صادق عليه السلام] نقل شده که حضرت فرمود: قائم عليه السلام نوزده سال و چند ماه حکومت خواهد کرد.

دلالت روایت خوب است و ابهامی ندارد، اما سند آن ضعیف است و قابل اعتماد نیست. ۱۱

الملك الزيات و محمد بن احمد بن الحسن القطوانى عن الحسن بن محبوب عن عمر بن ثابت عن جابر بن يزيد الجعفى قال سمعت:

سند این روایت به چهار سند قابل تحلیل و تفکیک است:

الف) ابن ابی زینب (ثقة عدل امامی _ نجاشی، 1416: 383) اخبرنا احمد بن محمد بن سعید بن عقده (ثقة، جلیل، زیدی، جارودی _ نجاشی 1416: 92؛ طوسی، 1415: 409) و قال: حدثنا محمد بن المفضل بن ابراهیم بن قیس بن رمانه الاشعری (ثقة امامی _ نجاشی، 1416: 340) عن الحسن بن محبوب (امامی ثقة جلیل _ نجاشی، 1416: 140 و 160) عن عمر بن ثابت (عمر بن ابی المقدام) (ممدوح _ حلی، 1392: 144؛ ثقة _ واسطی بغدادی، 1422: 111) عن جابر بن يزيد الجعفی (ثقة فى نفسه _ همو: 110؛ ممدوح _ كشي، 1348: 195-196). (سند خوب است)

ب) ابن ابی زینب اخبرنا احمد بن محمد بن سعید بن عقده قال: حدثنا ... احمد بن الحسين بن عبدالملك (زيات) (ثقة _ نجاشی 1416: 80) عن الحسن بن محبوب (این سند نیز خوب است)

ج) ... عن ابن عقده قال: حدثنا ... و سعدان بن اسحاق بن سعید (توثيق نشده _ مجهول) عن الحسن بن محبوب

د) ... عن ابن عقده قال: حدثنا ... و محمد بن احمد بن الحسن القطوانى (توثيق نشده _ مجهول) (دو سند آخر ضعیف است)

11. سند اصلی: أخبرنا [ابن ابی زینب] احمد بن محمد بن سعید بن عقده الكوفى قال: حدثنى على بن الحسن التيملى عن الحسن بن على بن يوسف عن ابيه و محمد بن على عن ابيه عن احمد بن عمر الحلبي عن حمزة بن حرمان عن عبد الله ابن ابى يعفور عن ابى عبد الله عليه السلام.
سند این روایت به دو سند قابل تحلیل و تبدیل است:

از ابن ابی یعفر چند روایت دیگر نیز با همین مضمون _ البته با تعابیر متفاوت _ نقل شده است:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَلَكَ الْقَائِمُ مِنَّا تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَأَشْهُرًا؛ (نعمانی، 1422: 354، باب 26، ح 2)

عبدالله بن ابی یعفر می گوید: ابی عبدالله [امام صادق علیه السلام] می فرماید: حکومت قائم ما نوزده سال و چند ماه خواهد بود.

سند این روایت نیز ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست، ۱۲ اما دلالت آن صریح و خوب است.
ابن ابی یعفر عن ابی عبدالله علیه السلام قال: إن القائم علیه السلام يملك تسع عشرة سنة وأشهرًا؛ (نعمانی، 1422: 354 _ 355، باب 26، ح 4)

از حمزه بن حرمان از ابن ابی یعفر از ابی عبدالله [امام صادق علیه السلام] نقل شده که فرمود: همانا قائم علیه السلام نوزده سال و چند ماه حکومت خواهد کرد.

سند این روایت هم ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست، ۱۳ اما دلالت آن واضح و صریح است.

سند 1. ابن ابی زینب (ثقة عدل امامی _ نجاشی، 1416: 383) احمد بن محمد بن سعید بن عقده الكوفي (ثقة زیدی، جارودی _ نجاشی، 1416: 92) قال: حدثني علي بن الحسن [بن علي بن فضال] التيملي (ثقة، فطحي _ نجاشی، 1416: 257-258) عن الحسن بن علي ابن يوسف (بقاح) كوفي ثقة، مشهور، صحيح الحديث _ نجاشی، 1416: 40) عن ابيه (توثيق نشده) عن احمد بن عمر [بن شعبة] الحلبي (ثقة _ نجاشی، 1416: 98) عن حمزة بن حرمان [بن أعين الشيباني] (توثيق نشده) عن عبد الله بن ابی یعفر.

سند 2. [خبرنا] ابن ابی زینب عن احمد بن محمد بن سعید بن عقده الكوفي قال: حدثني علي بن الحسن التيملي عن محمد بن علي (توثيق نشده) عن ابيه (توثيق نشده) عن احمد بن عمر الحلبي عن حمزة بن حرمان (توثيق نشده) عن عبد الله بن ابی یعفر.
بنا بر این هر دو سند روایت ضعیف است.

12. خبرنا ابی زینب ابوسلیمان احمد بن هوذة الباهلی (توثيق نشده _ مجهول) قال: حدثنا ابراهيم بن اسحاق النهاوندي (نجاشی و شیخ او را تضعیف کرده اند _ نجاشی، 1416: 19؛ طوسی، 1415: 414) قال: حدثنا ابو محمد عبدالله بن حماد الانصاری قال: حدثني عبد الله بن ابی یعفر.

همچنین احتمال دارد هر سه روایت در واقع یک روایت باشند؛ زیرا راوی و مروی عنه یکی است و شاید اختلاف تعابیر به سبب اختلاف در نقل باشد.

3. بیست سال

روایت یکم

عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي ... يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوْ يَمْلِكُ عَشْرِينَ سَنَةً؛ (طبری، 1413: 441 ح 18/414 با اندکی تغییر؛ همو، 1410: 197، ح 5؛ ابن طاووس، 1399: 178؛ مجلسی، 1403: ج 51، 91، باب 1 به نقل از الفردوس؛ ابن بطریق، 1407: 439 ح 922؛ اربلی، بی تا: ج 3، 283)

از حذیفه بن یمان از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که فرمود: ... مهدی ﷺ از فرزندان من است. ... اهل آسمانها و اهل زمین و پرند در هوا به خلافت ایشان راضی هستند. [او] بیست سال حکومت خواهد کرد.

سند روایت ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست. ۱۴ عبدالعظیم بستوی نیز روایت را از علل متناهیة ابن جوزی و اخبار المهدی ابونعیم و الفردوس نقل کرده و پس از این که سه طریق نقل برای آن درست می کند، می گوید: اگر حدیث جعلی نباشد، به طور جد ضعیف است (بستوی، 1420: 90-93)، اما دلالت روایت واضح است و ابهامی ندارد.

از حذیفه روایت دیگری نیز با همین مضمون _ البته با تعابیر متفاوت _ نقل شده است:

13. اخبرنا [ابن ابی زینب] علی بن احمد بن نصر البندنجی (ابن داوود و علامه حلی او را تضعیف کرده اند _ حلی، 1392: 260؛ حلی، 1417: 369) عن عبید الله بن موسی العلوی (توثیق نشده _ مجهول) عن بعض رجاله (مرسله) عن احمد بن الحسن عن اسحاق عن احمد بن عمر بن ابی شعبه الحلبي عن حمزة بن حمران عن عبد الله بن ابی يعفور.

14. سند دلائل الامامة: حدثني [محمد بن جریر طبری] ابواسحاق ابراهیم بن احمد بن محمد بن احمد الطبری قال: حدثنا ابوالحسن محمد بن المظفر الحافظ (اضطرب عقله _ حلی، 1417: 269) قال: حدثنا عبدالرحمن بن اسماعیل قال: حدثنا علی بن ابراهیم الصوری قال: حدثنا داود قال: حدثنا سفیان عن منصور عن ربعی بن الخراش (توثیق نشده _ مجهول) عن حذیفه بن الیمان.

حذیفه بن الیمان یقول: قال عمران بن الحصین: صف لنا یا رسول الله هذا الرجل و ما حاله؟ فقال
النبي ﷺ ... يملأ الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً يملك عشرين سنة؛ (ابن طاووس، 1416:
281، باب 70، ح 407 عن ابوصالح السليلى)

حذیفه بن یمان می گوید: ... عمران بن حصین پرسید: ای پیامبر خدا، این
مرد (مهدی ﷺ) و احوالات وی را برای ما توصیف کنید. پس پیامبر ﷺ فرمود: ...
زمین را مملو از عدالت می کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود. [او] بیست سال حکومت
می کند.

این روایت از طریق اهل سنت نقل شده و سند شیعی ندارد، ولی از نظر دلالت صریح در مدت
حکومت است.

روایت دوم

عن ابی امامه عن رسول الله ﷺ: ... المهدي من ولدی ابن اربعین سنة ... كأنه من رجال بنی
اسرائیل یملك عشرين سنة؛ (هیثمی، 1408: ج 7، 319؛ طبرانی، 1405: ج 8، 102؛ متقی هندی،
1409: ج 14، 268، ح 38680)

از ابامامه نقل شده که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: ... مهدی ﷺ از فرزندان من چهل ساله
است ... [از جهت جثه بدنی] مانند یکی از مردان بنی اسرائیل است [و] بیست سال حکومت خواهد
کرد.

عبدالعظیم بستوی پس از این که دو طریق برای این روایت درست می کند،
إسناد آن را ضعیف شمرده و متن آن را نیز با روایات هفت سال ناسازگار می داند
(بستوی، 1420 ب: 121_122)؛ گویا هفت سال را قول مسلم بین اهل سنت گرفته است.
در متن بعضی از منابع نیز نامی از حضرت مهدی ﷺ برده نشده است، اما با ویژگی های
مطرح شده در آن و مقایسه با سایر روایات، معلوم می شود که منظور، حکومت امام
زمان ﷺ است.

4. چهل سال

روایت یکم

ابن عمر بن علی بن الحسین عن ابی عبد الله ﷺ قال: القائم من ولدی یعمّر عمر خلیل الرحمن
یقوم فی الناس و هو ابن ثمانین سنة و یلبث فیها اربعین سنة؛ (طبری، 1413: 254)

از فرزند عمر بن علی بن حسین از ابی‌عبدالله [امام صادق علیه السلام] نقل شده که فرمود: قائم از فرزندان من به اندازه عمر [ابراهیم] خلیل الرحمان عمر می‌کند. در بین مردم قیام می‌کند، در حالی که هشتاد ساله است و چهل سال زندگی می‌کند.

سند روایت ضعیف است، ۱۵ ولی از نظر دلالت مدت حیات را بیان می‌کند که مدت حکومت را نیز شامل می‌شود، به این معنا کُتِبَتْ لَهُ که مدت حکومت بیش از این مقدار نخواهد بود.

روایت دوم

عن ربی بن خراش قال: سمعت حذیفه بن الیمان قال: قال رسول الله ﷺ: ... قد أفلحت أمة أنا أولها و عیسی علیه السلام آخرها فیصلی خلف رجل من ولدی فإذا صلی الغداة قام عیسی علیه السلام حتی یجلس فی المقام و ذکر متابعتة و أن مقامه فی الدنيا أربعون سنة؛ (ابن طاووس، 1416: 301 عن الفتن للسلیلی) حذیفه بن یمان از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود: حقا که رستگاران آن امتی که من اول آن‌ها باشم و عیسی علیه السلام آخر آن‌ها باشد. پس عیسی علیه السلام پشت سر مردی از فرزندان من نماز می‌خواند. هنگامی که نماز صبح را خواند عیسی علیه السلام برمی‌خیزد و متابعت خود را ذکر می‌کند و مکث او در دنیا چهل سال خواهد بود.

سند این روایت از اهل سنت است و سند شیعی ندارد و در دلالت آن هم ابهام وجود دارد؛ زیرا با ضمیر بیان شده و احتمال دارد ضمیر به حضرت عیسی علیه السلام برگردد؛ یعنی منظور روایت، بیان عمر حضرت عیسی علیه السلام باشد و این نکته دلالت روایت را مجمل می‌کند.

روایت سوم

عن زید بن وهب الجهنی ... لما طعن الحسن بن علی علیه السلام بالمدائن أتیته ... فقال: ... أن أمير المؤمنين علیه السلام قال لی ذات یوم ... فکذلک حتی یبعث الله رجلاً فی آخر الزمان ... یملاً الأرض قسطاً و عدلاً ... و تظهر له الكنوز، یملک ما بین الخافقین أربعین عاماً ...؛ (طبرسی، 1386: ج 2، 10 - 11)

15. ... و حدثنی [محمد بن جریر الطبری] ابو عبد الله الحسين عبد الله الخرقی (توثیق نشده) _ مجهول) قال: حدثنا ابو محمد هارون بن موسی قال: حدثنا ابو علی محمد بن همام قال: حدثنا جعفر بن محمد بن مالک الکوفی (کذاب _ حلی، 1392: 435 - 436؛ واسطی بغدادی، 1422: ج 1، 49) قال: حدثنا عمر بن طرhan (توثیق نشده) قال: حدثنا محمد بن اسماعیل عن ابن عمر بن علی بن الحسين عن ابی عبد الله علیه السلام.

زید بن وهب جهنی نقل می‌کند: زمانی که امام حسن علیه السلام در مدائن ضربه‌ای به پای مبارکش خورد به خدمت آن حضرت رسیدم... فرمود: ... روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به من فرمود: ... و همین گونه خواهد بود تا خداوند مردی را در آخر الزمان بفرستد ... زمین را مملو از عدالت و قسط کند ... و گنج‌ها برای او ظاهر شود و چهل سال بر کل کره زمین حکومت خواهد کرد... .

در سند این روایت ارسال است و راویان واسطه بین طبرسی و زید بن وهب الجهنی ذکر نشده‌اند. درباره زید نیز توثیق خاصی در کتب رجال نیست. برقی وی را در شمار اصحاب یمینی امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر می‌کند (برقی، 1419: 38) و ابن داوود در معرفی او می‌گوید: از اصحاب خاص آن حضرت است (حلی، 1392: 164).

اما از نظر محتوا و دلالت مشکلی ندارد. تعبیر «رجل» به قرینه سایر مطالب مطرح شده در روایت بر امام زمان علیه السلام حمل می‌شود و منظور از عبارت «ما بین الخاقین»، بین مشرق تا مغرب است که همه کره خاکی را دربر می‌گیرد.

در روایت دیگری مدت حکومت به گونه‌ی تردید، بین سی سال و چهل سال نقل شده است: عن علی علیه السلام: یلی المهدی أمر الناس ثلاثین أو اربعین سنه؛ (مروزی، 1414: 234؛ متقی هندی، 1409: ج 14، 591، ح 39676 عن نعیم بن حماد)

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که مهدی علیه السلام سی سال یا چهل سال، امارت بر مردم را عهده‌دار می‌شود.

این روایت، سند خوبی ندارد و مشخص نیست لفظ «عمن حدثه» در سند به چه کسی اشاره می‌کند. ۱۶

عبدالعظیم بستوی نیز این روایت را نقل کرده و دو اشکال به آن می‌گیرد: نخست این که سند حدیث ضعیف است و دیگر این که با روایات هفت سال سازگار نیست (بستوی، 1420: ب 142).

درباره دلالت روایات تردید در روایات دسته‌الف گفتیم که تردید، چه از جانب راوی باشد و چه از سوی معصوم علیه السلام برای اثبات مدت حکومت بین اعداد مذکور قابل استناد است؛ مثلاً وقتی می‌فرماید سی یا چهل سال حکومت می‌کند، یعنی کمتر از سی سال و بیشتر از چهل سال نخواهد بود.

16. نعیم بن حماد حدثنا عبدالله بن مروان عن الهیثم بن عبدالرحمن عن حدثه عن علی علیه السلام قال:

5. هفت سال معادل هفتاد یا صد و چهل سال

در برخی روایات، مدتی برای حکومت آن حضرت ذکر شده و آن مدت را به گونه‌ای تفسیر نموده‌اند که نیازمند توضیح است:

روایت یکم

رَوَى عَبْدُ الْكَرِيمِ الْخَثْعَمِيُّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ؟ قَالَ: سَبْعَ سِنِينَ تَطُولُ لَهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَكُونَ السَّنَةُ مِنْ سِنِيهِ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ فَيَكُونُ سِنُومُلْكِهِ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ؛ (مفید، 1414: 2، 381؛ ابن‌صباغ، 1422: ج 2، 1 - 1132 مرسلاً عن ابی‌عبدالله عليه السلام؛ قتال نیشابوری، بی‌تا: 2 مرسلاً عن الصادق عليه السلام؛ اربلی، بی‌تا: ج 3، 262؛ طبرسی، 1417: ج 2، 290 با اندکی اختلاف در متن مرسله)

عبدالکریم خثعمی می‌گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: امام قائم عليه السلام چند سال حکومت می‌کند؟ فرمود: هفت سال، و روزها برای آن حضرت طولانی می‌شود به طوری که هر سال از سال‌های زمان او برابر ده سال از سال‌های شماست، و از این رو سال‌های حکومت او معادل هفتاد سال از سال‌های شما خواهد بود.

سند روایت ضعیف است. ۱۷ دلالت روایت نیز در پایان همین بخش توضیح داده خواهد شد.

از عبدالکریم خثعمی همین روایت با عبارتی دیگر بیان شده است:

عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخَثْعَمِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ عليه السلام? قَالَ: سَبْعَ سِنِينَ يَكُونُ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ؛ (طوسی، 1411: 474، ح 497)

از عبدالکریم بن عمرو خثعمی روایت شده که گفت: به حضرت صادق عليه السلام عرض کردم: قائم عليه السلام چند سال حکومت می‌کند؟ فرمود: هفت سال که به حساب سال شما هفتاد سال می‌شود. سند این روایت نیز ضعیف است. ۱۸ و دلالت روایت نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

17. زیرا نجاشی درباره عبدالکریم گفته: او واقفی‌مذهب است (نجاشی، 1416: 245). بر فرض این که این تعبیر باعث ضعف وی نشود، در سند روایت ارسال هست و به خاطر ارسال ضعیف خواهد بود؛ چون شیخ مفید به عبدالکریم خثعمی حداقل سه واسطه می‌خواهد و این واسطه‌ها در سند نیست.

18. عنه (فضل بن شاذان) عن عبد الله بن قاسم الحضرمي (ضعيف، غالي، كذّاب _ نجاشي 1416: 226) عن عبدالکریم بن عمر الخثعمي (ضعيف، واقفي _ همو: 245).

روایت دوم

رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام ... لَا يَتْرُكُ بِدْعَةَ إِلَّا أَرْأَهَا وَ لَا سُنَّةَ إِلَّا أَقَامَهَا وَ يَفْتَتِحُ قُسْطَنْطِينِيَّةَ وَ الصَّيْنِ وَ جِبَالَ الدِّيْلَمِ فَيَمُكُّ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ مِقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرُ سِنِينَ مِنْ سِنِيِّكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَكَيْفَ تَطُولُ السُّنُونُ؟ قَالَ: يَا مُرُّ اللَّهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِالْبُوثِ وَ قَلْبُهُ الْحَرَكَةُ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَ السُّنُونُ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِنْ تَغَيَّرَ فَسَدَ؟ قَالَ: ذَلِكَ قَوْلُ الزَّنَادِقَةِ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَ قَدْ شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ عليه السلام وَ رَدَّ الشَّمْسَ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بَنُ نُونٍ وَ أَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّهُ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ (مفيد، 1414: ج 2، 385؛ طبرسی، 1417: ج 2، 291؛ اربلی، بی تا: ج 3، 265)

ابوبصیر ضمن حدیثی طولانی از امام پنجم روایت کرده که فرمود: چون قائم عليه السلام ظهور کند ... هر بدعتی را از میان ببرد و هر سنت و دستور خدایی را اجرا کند و شهر قسطنطنیه و چین و کوه‌های دیلم، همه را فتح می‌کند و هفت سال _ که هر سالی برابر ده سال شماسنت _ در زمین می‌ماند. سپس هرچه خدا خواهد، ابوبصیر می‌گوید: گفتیم: قربانت شوم! چگونه سال‌ها طولانی می‌شوند؟ فرمود: خدا به فلک امر می‌فرماید تا کند شود و روز و سال طولانی می‌شوند. گفتیم: آن‌ها می‌گویند: اگر فلک دگرگون شود تباه می‌گردد؟ فرمود: این گفته زندقان است و مسلمانان را به آن راهی نیست، با این که خدا ماه را برای پیغمبرش صلی الله علیه و آله شکافت، و پیش از آن خورشید را برای یوشع بن نون برگردانید، و خبر داد که روز قیامت به اندازه هزار سال شما طولانی خواهد شد. این روایت سند خوبی ندارد و مرسله است؛ زیرا شیخ مفید سند خود به ابو بصیر را ذکر نکرده است. دلالت آن نیز در پایان همین بخش بررسی خواهد شد.

روایت سوم

و قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام ... فَيَمُكُّ عَلَى ذَلِكَ سَبْعَ سِنِينَ مِقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيِّكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ. قِيلَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَكَيْفَ يَطُولُ السُّنُونُ؟ قَالَ: يَا مُرُّ اللَّهُ تَعَالَى الْفَلَكَ بِالْبُوثِ وَ قَلْبُهُ الْحَرَكَةُ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لِذَلِكَ وَ السُّنُونُ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِنْ تَغَيَّرَ فَسَدَ؟ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ الزَّنَادِقَةِ فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَ قَدْ شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ عليه السلام وَ رَدَّ الشَّمْسَ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بَنُ نُونٍ وَ أَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّهُ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ (فتال نیشابوری، بی تا: 264)

امام پنجم ضمن حدیثی طولانی فرمود: چون قائم علیه السلام ظهور کند ... هفت سال _ که هر سال برابر بیست سال شماسست _ در زمین می ماند، سپس هر چه خدا خواهد. به ایشان گفته شد: قربانت شوم! چگونه سال ها طولانی می شوند؟ فرمود: خدا به فلک امر می فرماید تا کند شود، و روز و سال طولانی شوند. [راوی] می گوید: گفتم: آن ها می گویند: اگر فلک دگرگون شود تباه می گردد. فرمود: این گفته زندیقان است و مسلمانان را به آن راهی نیست، با این که خداوند ماه را برای پیغمبرش شکافت، و پیش از آن خورشید را برای یوشع بن نون برگرداند، و خبر داد که روز قیامت به اندازه هزار سال شما طولانی خواهد شد.

ظاهراً این همان روایت ارشاد است؛ زیرا مروی عنه (معصوم) یکی است و متن نیز یکی است و احتمالاً اشتباه نسخ (تصحیف) بوده و به جای عشر، عشرین ثبت شده است. در این کتاب نیز روایت فوق، سند ندارد.

درباره دلالت این دسته از روایات باید گفت که روایات صریح در مدت زمان حکومت است، اما در این که چگونه هفت سال، هفتاد سال یا بیشتر به طول می انجامد ابهام وجود دارد و همین ابهام باعث شده که برخی محققان این روایات را نپذیرفته و آن را مخالف قوانین حاکم بر دنیا بدانند و بگویند این روایات رمز گونه اند (صفار نجفی، 1428: ج 13، 149 - 150).

در متن روایت نیز راوی از کلام امام تعجب می کند و می پرسد: چگونه یک سال ده برابر طول می کشد؟ حضرت بیان می فرماید که به امر خداوند گردش فلک کند می شود؛ باز ابهام راوی باقی است و دوباره می پرسد: این ها (ظاهراً منظور ستاره شناسان و طبیعت گراها) می گویند: اگر در حرکت فلک تغییری حاصل شود فاسد شده و از بین می رود. امام می فرماید: این کلام آنان است، اما مسلمانان نمی توانند چنین چیزی بگویند؛ چون نمونه هایی مثل شق القمر و رد الشمس را باور دارند و خداوند نیز از طولانی شدن هزار ساله روز قیامت خبر داده است.

در برخورد اولیه با این روایت، این توهم به وجود می آید _ همان طور که برای راوی پیش آمد _ که طولانی شدن زمان در حد ده یا بیست برابر غیرعادی است و باعث بر هم خوردن نظام هستی می شود؛ در حالی که این گونه نیست. ما نمونه روشن آن را هر ساله در دو قطب زمین مشاهده می کنیم و می بینیم که طول شب و روز 180 برابر شده و هر کدام شش ماه به طول می انجامد.

اما این که چگونه در همه کره زمین این اتفاق ممکن است و روایت نیز به آن تصریح می‌کند، باید گفت در شاخه‌ای از علم نجوم (اختر فیزیک) ۱۹ توضیح داده شده که بر اثر جاذبه ماه، حرکت زمین به دور خود و به دور خورشید رو به کندی است؛ به طوری که طول روز با آهنگ قابل اندازه‌گیری $0/002s$ در هر قرن افزایش می‌یابد. در این صورت قانون سوم کپلر ایجاب می‌کند که طول هر ماه بیشتر گردد. در آینده‌ای دور، روز و ماه یکی خواهند شد و هر دو تقریباً پنجاه برابر روز فعلی می‌شوند (گرگوری، 1387: ج 1، 184-185).

بنابر این نظریه اگر حرکت چرخشی زمین (حرکت وضعی) به هر دلیل کُند شود، این عامل سبب طولانی شدن شب و روز خواهد شد و این «دیرش» با تأخیر در فصول همراه است و به دنبال آن سال نیز طولانی خواهد شد. بنابراین نظریه روایات «تطول له الايام قابل توجیه خواهد بود.

شاید به ذهن کسی خطور کند که این حالت باعث تغییر در مدار گردش کرات می‌شود و اگر مدار سیارات تغییر کند همه چیز به هم می‌ریزد و نظم آسمان‌ها و زمین پابرجا نخواهد بود. در پاسخ این سؤال می‌توان گفت این دیرش تنها در مدار گردش زمین رخ می‌دهد، نه در گردش کل سیارات و در نظریه دیرش نیز بیان شده که این حالت در گردش سایر کرات تأثیر خاصی نخواهد گذاشت و تنها طولانی شدن شب و روز است. این امر سبب نابودی اهل زمین نیز نمی‌شود، چنان‌که در قطبین زمین، با این که شب و روز شش ماه طول می‌کشد، زندگی طبیعی جریان دارد. طبق محاسبه، طول روز و شب در قطبین، صد و هشتاد برابر می‌شود؛ اما در بیان این روایات، تنها طول شب و روز ده یا بیست برابر خواهد شد.

برخی نیز در توجیه این روایات گفته‌اند: مراد از طولانی شدن سال‌ها (سنین غیر معمولی) به دلیل سختی آن ایام است؛ یعنی هر چه روزگار سخت‌تر باشد، گذر آن طولانی‌تر به نظر می‌آید و برای نظریه خود این دو روایت را به عنوان شاهد ذکر می‌کنند:

لَوْ قَدْ خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَالْعَرَقُ؛ (نعمانی، 1422: 296، باب 15، ح 5)

اگر قائم خروج کند، جز خون بسته شده بر پیشانی و عرق چیزی نخواهد بود.

مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَالْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ؛ (همو: 239، باب 13، ح 20 و 21؛ طوسی، 1411:

460، ح 473؛ بحرانی، 1403: 282)

19. علم اختر فیزیک، شاخه‌ای از علم نجوم است که درباره حرکت و مدارات ستارگان و سیارات

گفت‌وگو می‌کند.

آن نیست، مگر شمشیر و مرگ در سایه شمشیر.

به نظر می‌رسد این تحلیل مناسبی نباشد؛ چون هرچند در ابتدا شیعیان آن حضرت بر اثر رویارویی با جبهه کفر و نفاق، باید سختی‌های بسیاری متحمل شوند، اما سرانجام آنان آسایش و راحتی است و سختی دائمی تنها برای مخالفان و دشمنان آن حضرت خواهد بود.

برخی از محققان به دلیل مشابهت این روایات با قول مشهور بین اهل سنت _ که حکومت هفت ساله بود _ این‌ها را ترجیح داده‌اند (طوسی نجفی، 1385: ج 1، 225).

6. هشتاد سال

امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه «وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ» (ابراهیم: 44) می‌فرماید: هو ظهور قائمنا المغیب لأنه عذاب علی الکافرین و شفاء و رحمة للمؤمنین یظهر و له من العمر أربعون عاماً فیمکث فی قومه ثمانین سنه ... ؛ (یزدی حائری، بی‌تا: ج 2، 201 نقله فی ذیل خطبه تنجیه)

این روز، روز ظهور قائم غایب ماست. چون ظهور او عذاب برای کفار و رحمت برای مؤمنان است. [او] در حالت چهل ساله ظاهر می‌شود و در بین قومش هشتاد سال زندگی می‌کند.

این روایت بنابر منابع اهل سنت و همچنین طبق منابع شیعه، سند ندارد و قابل اعتماد نیست، ولی دلالت آن خوب است و مدت زندگی حضرت را بیان می‌کند که شامل مدت حکومت آن حضرت نیز می‌شود.

7. نوزده سال، معادل صد و نود سال

و قد روی أن مدة دولة القائم علیه السلام تسع عشرة سنة تطول أيامها و شهورها علی ما قدمناه و هذا أمر مغیب عنا و إنما ألقى إلینا منه ما یفعله الله جل اسمه بشرط یعلمه من المصالح المعلومه له جل اسمه؛ (مفید، 1414: ج 2، 386 - 387؛ طبرسی، 1417: ج 2، 293؛ اربلی، بی‌تا: ج 3، 266)

و روایت شده که مدت دولت قائم علیه السلام نوزده سال است که روزها و ماه‌های آن طولانی شود، به همان صورت که گفته شد و این امر بر ما پوشیده است؛ و تنها چیزی را که خداوند اگر مصلحت بداند انجام می‌دهد به ما گفته شده است.

این روایت را شیخ مفید به صورت مرسله آورده و سندی برای آن بیان نکرده و ظاهراً دیگران نیز از ایشان نقل نموده‌اند.

روایت به طولانی شدن روزها و ماه‌ها در این حکومت نوزده ساله تصریح می‌کند، در حالی که در روایات پیشین تنها درباره هفت سال، این حالت بیان شده بود. بنابراین، به درازا کشیدن روزها و

ماه‌ها، اگر به صورت طولانی شدن هر یک سال به ده سال باشد ۲۰ حکومت امام مهدی علیه السلام صد و نود سال به طول خواهد انجامید.

8. سیصد و نه سال

روایت یکم

جابر عن ابی جعفر [الباقر علیه السلام]: یملک القائم ثلاثاً سنه و یزداد تسعاً کما لبث اهل الکهف فی کهفهم ...؛ (مجلسی، 1403: ج 52، 390. باب 27، ح 212 به نقل از کتاب الغیبه السید علی بن عبدالحمید)

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: قائم سیصد و نه سال حکومت می‌کند، همان مقدار که اصحاب کهف در غارشان ماندند.

سند روایت مرفوعه است و قابل اعتماد نیست؛ ۲۱ اما دلالت روایت صریح است و ابهامی ندارد.

روایت دوم

عن ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلام: إن القائم یملک ثلاثاً سنه و تسع سنین کما لبث اهل الکهف فی کهفهم؛ (طوسی، 1411: 474، ح 496؛ طبری، 1413: 455، ح 39/435 با اندکی تفاوت)
ابی الجارود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: قائم سیصد و نه سال حکومت می‌کند، همان مقدار که اصحاب کهف در غارشان ماندند.

سند روایت ضعیف است، ۲۲ اما دلالت روایت صریح است و ابهامی ندارد.

20. توضیح درباره امکان و چگونگی طولانی شدن شب و روز و ماه و سال، در بخش بیان روایت هفت سال معادل هفتاد یا صد و چهل سال، گذشت.

21. و باسناده (فضل بن شاذان یا علی بن عبدالحمید) رفعه (مرفوعه) الی جابر عن ابی جعفر علیه السلام (هم مرفوعه است و هم خود سید علی بن عبد الحمید توثیق نشده است).

22. سند شیخ طوسی: و عنه (فضل بن شاذان _ در تمامی اسناد شیخ طوسی در کتاب الغیبه به فضل بن شاذان، شخصی به نام علی بن محمد بن قتیبه وجود دارد که از نظر وثاقت مورد اختلاف است و قول اصح این است که مورد اعتماد نیست _ خویی، 1410: ج 12، 160) عن علی بن عبدالله (مشترک _ مجهول) عن عبدالله بن ابی عبدالله عن ابی الجارود (زیاد بن منذر _ ضعیف) (طوسی، 1417: 307؛ کشی، 1348: 229 - 230).

روایت سوم

ذکر فی کتاب المشار إلیه خطبةً لأمیر المؤمنین علیه السلام تسمی المخزون وهی: ... فیمکت فیما بین خروجه إلی یوم موته ثلاثاً سنه و نیف (نیفا)؛ (حلی، 1370: 202؛ مجلسی، 1403: ج 53، 77 - 86)

در این کتاب خطبه‌ای برای مولا امیر المؤمنین ذکر کرده به نام المخزون و آن خطبه این است: ... سپس سیصد سال و اندی از وقت خروجش تا روز مرگش باقی می‌ماند (زندگی می‌کند). این روایت نیز از جهت سند دارای اشکال است، ۲۳ ولی دلالت آن کامل است و تصریح دارد که از زمان ظهور امام علیه السلام تا زمان وفات آن حضرت این مقدار زمان می‌گذرد. نتیجه‌گیری نهایی در کنگ‌بررسی سند روایات و جمع بین آن‌ها روایات مربوط به مدت حکومت امام مهدی علیه السلام را به دو دسته کلی تقسیم کردیم:

1. روایات زیر ده سال که بیشتر در منابع اهل سنت به چشم می‌خورند؛
2. روایات بالای ده سال که بیشتر در منابع شیعه آمده‌اند (صدر، 1425: ج 3، 433-434).

سند دلائل الامامة: اخبرنی (طبری شیعی) ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی (توثیق نشده) عن ابيه عن ابي علي محمد بن همام عن ابي عبدالله جعفر بن محمد (الحمیری) قال: حدثنا محمد بن حمران المدائنی (النهدی) عن علی ابی اسباط (مختلف فیہ و ثقۀ _ نجاشی 1416: 253)، عن الحسن بن شیبیر (مجهول) عن ابی الجارود (ضعیف) (طوسی، 1417: 307؛ کشی، 1348: 229 - 230).

23. در سند روایت چند ایراد است:

«وقف علی کتاب خطب لمولانا امیر المؤمنین علیه السلام و علیه خط السید رضی الدین علی بن موسی بن طاوس ما صورته: هذا الكتاب ذکر کاتبه رجلین بعد الصادق علیه السلام فیمكن أن یكون تاریخ کتابته بعد المائتین من الهجرة لأنه علیه السلام انتقل بعد سنه مائه و أربعین من الهجرة و قد روی بعض ما فیہ عن ابي روح فرج بن فروة عن مسعدة بن صدقة عن جعفر بن محمد و بعض ما فیہ عن غیرهما...»

(الف) وجادة است و سند حلی به فرج متصل نیست و چنین کتابی را حلی دیده است.

(ب) فرج بن فروة توثیق ندارد و همچنین درباره مسعدة اختلاف است؛ زیرا ابن داوود او را از ضعفاء شمرده (حلی، 1392: 515) و شیخ او را از روات عامه به شمار آورده است (طوسی، 1415: 146).

آیت‌الله خویی نیز به سبب قرائن عامه او را توثیق کرده است (خویی، 1410: ج 18، 135-139).

در روایات مربوط به حکومت آن حضرت، تعارض از هفت تا 309 سال وجود دارد و از نظر سند تنها روایت 19 سال، قابل اعتماد بود و نقل‌های دیگر از جهت سند، پذیرفتنی نیستند. البته شیخ مفید دربارهٔ روایات هفت سال می‌گوید: «این‌ها بیشتر و مشهورترند» (مفید، 1414: ج 2، 387). برخی نیز به سبب همین شهرت آن‌ها را مقدم کرده‌اند (صفا نجفی، 1428: ج 13، ص 150 - 151؛ صدر، 1425: 438).

اما با جست‌وجوی انجام شده دریافتیم چنین شهرتی تنها بین اهل سنت است و نزد شیعیان، روایات و طرفداران چندانی ندارد و با در نظر داشتن این نکته که در زمان شیخ مفید جامعه علمی شیعه و اهل سنت به صورت امروزی از هم تفکیک نشده بود، احتمال دارد کلام شیخ مفید ناظر بر شهرت بین عامه باشد.

بیان تحلیل‌ها و نقد و ابرام

جدا از بحث سندی و بر فرض این که از جهت سندی هیچ روایتی را مقدم نکنیم و بگوییم همه مساوی هستند، برای توجیه اختلاف اخبار و حل تعارض بین آن‌ها راه‌ها و تحلیل‌هایی بیان شده است:

تحلیل یکم

دانستن مدت عمر یا حکومت امام مهدی علیه السلام چندان امر مهمی نبوده و لذا معصومین علیهم السلام برای تعیین دقیق آن انگیزه‌ای نداشته‌اند (خراسانی، 1384: 371).

پاسخ: اختلاف اخبار با این کلام قابل توجیه نیست؛ زیرا بیان‌های متفاوت با این گستردگی، به سبب نداشتن انگیزه تعیین دقیق، نوعی اغراء به جهل و مردم را در نادانی رها کردن، به شمار می‌آید که از شأن آن بزرگواران به دور است.

تحلیل دوم

اختلاف اخبار بدین سبب بوده که معصومین علیهم السلام به عمد نمی‌خواستند مدت دقیق حکومت را بیان فرمایند تا این که مورد سوء استفاده مدعیان قرار نگیرد، چنان که فرقه ضالّه بهاییت مدت ادعای سید باب را _ که شش سال بوده _ بر این مدت تطبیق کرده‌اند، با این که روایت شش سال نداشتیم. از این رو روایات با هم متفاوتند (صافی، 1419: 618؛ صدر، 1424: 242؛ دوانی، 1381: 1241، پاورقی).

پاسخ: این تحلیل نیز دقیق نیست؛ چون اگر نمی‌خواستند، بیان نمی‌فرمودند، نه این که به صورت مختلف بفرمایند؛ مگر با این توجیه که به کار بردن تعابیر گوناگون یک روش مخفی کاری است و معصومین علیهم‌السلام از این روش استفاده کرده‌اند.

تحلیل سوم

ائمہ علیهم‌السلام به دلیل شرایط تقیه، طبق اخبار عامه سال‌های متفاوتی را بیان می‌فرموده‌اند (خراسانی، 1384: 371).

پاسخ: تقیه در این‌گونه موارد (اخبار غیبی از آینده) معنایی ندارد و بر فرض وجود انگیزه تقیه، این تحلیل تنها درباره روایات زیر ده سال که مطابق قول اهل سنت است، قابل توجیه است.

تحلیل چهارم

روایاتی که مدت کمی را برای حکومت حضرت بیان کرده‌اند مانند روایات پنج، هفت یا نه سال، بر دوره‌های حکومتی حمل شوند؛ یعنی حکومت حضرت از ابتدا تا انتها به دوره‌های هفت‌گانه تقسیم می‌شود و روایاتی که سال‌های بیشتری بیان کرده‌اند، بر تمام مدت حکومت حمل می‌شوند؛ مثل روایات هفتاد، صد و بیست و سیصد و نه سال (مکارم شیرازی، 1376: 314؛ کورانی، 1411: ج 2، 527).

پاسخ: اگرچه روایاتی که با اشاره، مدتی را برای حکومت امام مهدی علیه‌السلام بیان فرموده‌اند می‌توانند شاهد خوبی برای این تحلیل باشند (یعنی هکذا اومی بیده سبع او تسع (مقدسی شافعی، 1399: 20؛ کورانی، 1411: ج 1، 110-111))؛ اما این تحلیل، با روایاتی که به لفظ سنین یا سنه تصریح دارند، سازگار نیست.

تحلیل پنجم

اختلاف اخبار ممکن است اشاره به ظهور و قوت حکومت آن حضرت باشد و آغاز شکل گرفتن و پیاده شدنش پنج یا هفت سال و دوران تکاملش چهل سال و دوران نهایی‌اش بیش از سیصد سال باشد (مجلسی، 1403: ج 52، 280، ذیل ح 6؛ هیتمی، 1428: 41؛ سفارینی حنبلی، 1402، ج 2، 83).

پاسخ: این وجه به وجه جمع پیشین نزدیک است و جمع خوبی است، اما برای آن شاهد جمعی از روایات پیدا نشد.

البته اگر این تحلیل به این معنا باشد که در سال‌های کم حکومت حضرت کامل نیست و نقص دارد تحلیل درستی نخواهد بود؛ برای مثال، تا 35 سال حکومت ناقص است و در چهل سال به کمال می‌رسد (صفا نجفی، 1428: ج 13، 152).

تحلیل ششم

روایات می‌توانند به دو مرحله از حکومت اشاره داشته باشند:

مرحله اول: مدت حیات خود حضرت که کوتاه است و روایات مدت کوتاه بر این دوره حمل می‌شوند.

مرحله دوم: مدت حکومت عدل جهانی که پس از حیات حضرت ادامه دارد و روایات مدت طولانی بر این دوره حمل می‌شوند (همو: 149؛ شوکی، 1429: 247؛ امینی گلستانی، 1385: ج 2، 372؛ رضوانی، 1384: 654).

پاسخ: اگرچه در نتیجه‌گیری پایانی برای دفع شبهه، این نظریه با قرائنی تقویت می‌شود، اما برای توجیه اختلاف اخبار پذیرفتنی نیست؛ زیرا با روایات «مدّه ملکه»، «مدّه حیات» و «بعیش» که ضماین در آنها به شخص امام مهدی علیه السلام برمی‌گردد، ناسازگار است.

تحلیل هفتم

عدد کم از اخبار بر سنین غیر معمولی (طولانی شدن سال‌ها)، و عدد زیاد بر سنین معمولی حمل می‌شود (مجلسی، 1403: ج 52، 280، ذیل ح 6) و روایاتی که هفت سال معادل هفتاد یا صد و چهل سال را بیان می‌کنند شاهد این وجه جمع‌اند.

پاسخ: اگرچه این تحلیل می‌تواند جمع‌بندی خوبی در برخی از روایات باشد، اما در همه آنها پذیرفتنی نیست.

نتیجه

در بررسی سندی روایات، تنها روایت 19 سال سند خوبی داشت؛ در بیان تحلیل‌ها تحلیلی که بتواند تمامی جوانب اختلاف روایات را توجیه کند، ارائه نشده است.

اما برای پاسخ‌گویی به این شبهه که اگر حکومت امام زمان علیه السلام کمتر از ده سال یا حتی بیست سال است این همه انتظار، زمینه‌سازی و روایات مؤدّه ظهور برای چیست و آیا این مدت اندک ارزش این همه مقدمه‌چینی و ... را دارد؟ ابتدا بیان دو نکته لازم است:

1. حکومت امام مهدی علیه السلام باید مدتی استمرار یابد و باقی باشد که در آن مدت، پایه‌های این حکومت مستحکم شده و قابلیت بقا تا روز قیامت را داشته باشد (صافی، 1419: 618 به نقل از

القول المختصر ابن حجر؛ جمعی از نویسندگان، 1382: 356؛ صفار نجفی، 1428: ج 13، 144 - (145)

2. اعتقادات و اخلاقیات جامعه اسلامی تغییرات بسیاری کرده و تصحیح این انحرافات به حکومتی چندین ساله نیاز دارد. حکومت مهدوی تنها کشور گشایی نیست، بلکه تربیت مردم کشورها از اولویت‌های برنامه حکومتی آن حضرت خواهد بود که هم طولانی‌تر و هم مشکل‌تر از سیطره بر خود کشورهاست (صدر، 1425: ج 3، 432).

با توجه به این دو نکته و طبق قواعد عامه، مدت مناسب و نتیجه دهنده برای حکومت آن حضرت لازم است و شاید بر همین اساس برخی محققان، روایات مدت طولانی را ترجیح می‌دهند. اما در این که این مدت چند سال است، چیزی از قواعد عامه استفاده نمی‌شود (همو؛ جمعی از نویسندگان، 1382: 356؛ صفار نجفی، 1428: ج 13، 144-145؛ رضوانی، 1384: 651).

پاسخ این سؤال با تقسیم آن به دو پرسش بهتر فهمیده می‌شود:

1. امام مهدی علیه السلام (شخص مهدی موعود علیه السلام) چه مقدار حکومت می‌کند؟
2. حکومت الهی (نظام مهدوی) چقدر باقی می‌ماند؟ (صدر، 1425: ج 3، 431؛ صفار نجفی، 1428: ج 13، 143)

بر فرض این که از روایات نتیجه بگیریم حکومت امام مهدی علیه السلام کمتر از بیست سال به طول می‌انجامد، اما حکومت عدل الهی _ که وعده تخلف‌ناپذیر خداوند به بشر است _ تا روز قیامت ادامه خواهد داشت (صفار نجفی، 1428: ج 13، 153) و حاکم این حکومت، پس از امام زمان علیه السلام، صالحان (بر اساس اعتقاد به رجعت، امامان معصوم علیهم السلام) خواهند بود (صدر، 1425: ج 3، 431؛ شوکی، 1429: 249).

روایت امام صادق علیه السلام که مدت حکومت امام زمان علیه السلام را وابسته به مشیت الهی دانسته و در ضمن، دوام آن را تا قیامت بیان می‌فرماید (مجلسی، 1403: ج 53، 34، باب 25، ج 1)، ۲۴ روایت

24. عن بعض مؤلفات اصحابنا عن المفضل بن عمر قال: سألت سيدي الصادق علیه السلام ... قَالَ الْمُفَضَّلُ يَا مَوْلَايَ فَكَمْ تَكُونُ مُدَّةَ مُلْكِهِ فَقَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقَوْا فَفِي النَّارِ ... وَ أَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ» (هود: 108) وَ الْمَجْدُودُ الْمَقْطُوعُ أَيَّ عَطَاءٍ غَيْرَ مَقْطُوعٍ عَنْهُمْ بَلْ هُوَ دَائِمٌ أَبَدًا وَ مُلْكٌ لَا

معراج که خداوند تبارک و تعالی فرموده حتماً او (امام مهدی علیه السلام) را با لشکریانم یاری می‌رسانم ... و سپس به ملک او دوام می‌دهم و حکومت را بین اولیای خودم تا روز قیامت قرار خواهم داد (صدوق، 1405: 256، باب 23، ح 4) ۲۵ و روایات جانشینان امام مهدی علیه السلام (عیاشی، بی تا: ج 2، 326، ح 24؛ ۲۶؛ کپورانی، 1411: 237 - 238 - 129) برای این جمع‌بندی قابل استفاده است. بنابراین دانستن مقدار عمر یا مدت حکومت شخص آن حضرت در درجه دوم اهمیت است و شاید به همین دلیل، در روایات برای آن عدد دقیقی بیان نشده است.

منابع

ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم، النهاية فی غریب الحدیث، تحقیق: طاهر أحمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، قم، مؤسسه إسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ چهارم، 1364 ش.
ابن بطریق، یحیی بن حسن، العمدة، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرسین، 1407 ق.

ابن حبان، علی بن بلبان، الصحيح، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ دوم، 1414 ق.

ابن حنبل، احمد، المسند، بیروت، دار صادر، بی تا.

ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، نجف، المطبعة الحیدریه، 1376 ق.

ابن طاووس، رضی‌الدین علی بن موسی، الطرائف، قم، خیام، چاپ اول، 1399 ق.

_____، الملاحم و الفتن، اصفهان،

نشاط، چاپ اول، 1416 ق.

ابوداود، سلیمان، السنن، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، 1410 ق.

اربلی، ابن ابی‌الفتح، کشف الغمه فی معرفة الأئمة علیهم السلام، بیروت، دارالاضواء، بی تا.

يَنْفَذُ وَ حُكْمُ لَّا يَنْقَطِعُ وَ أَمْرٌ لَّا يَبْطُلُ إِلَّا بِاخْتِيَارِ اللَّهِ وَ مَشِيئَتِهِ وَ إِرَادَتِهِ الَّتِي لَّا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ثُمَّ الْقِيَامَةُ وَ مَا وَصَفَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ.

25. قال رسول الله ﷺ: حكاية عن الله في معراجه و لانصرته بجندی و لامدنه بملائكتي حتى يعلن دعوتي و يجمع الخلق على توحيدى ثم لاديمن ملكه و لاداولن الأيام بين أوليائي إلى يوم القيامة.

26. و الله ليملكنّ رجل مّنّا اهل البيت الأرض بعد موته ثلاثمئة سنة و يزداد تسعاً

27. يكون له خلف من اهل بيته.

الدانی، أبو عمرو عثمان بن سعید بن عثمان بن عمر، السنن الواردة في الفتن و غوائلها و الساعة و
أشراطها، تحقيق: رضاء الله بن محمد إدريس مباركفوري، رياض، دار العاصمة، چاپ اول، 1416ق.
امینی گلستانی، محمد، سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام، قم، انتشارات مسجد مقدس
جمکران، چاپ اول، 1385ش.

بحرانی، سید هاشم، غایة المرام، تحقيق: سید علی عاشور، بی جا، بی نا، بی تا.
بحرانی، عدنان، حصائل الفكر في احوال الامام المنتظر، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ سوم،
1403ق.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، رجال البرقی، تحقيق: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه قیوم،
چاپ اول، 1419ق.

بستوی، عبدالعظیم، الموسوعة في احاديث المهدي الضعيف و الموضوع، بیروت، دار ابن حزم، چاپ
اول، 1420ق _ الف.

_____، المهدي المنتظر في ضوء الاحاديث و الاثار الصحيحة، بیروت،
دار ابن حزم، چاپ اول، 1420ق _ ب.

ترمذی، ابو عیسی محمد، سنن الترمذی، تحقيق و تصحيح: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت،
دارالفکر، چاپ دوم، 1403ق.

جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم،
1382ش.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بی جا، بی نا، بی تا.
حلی، حسن بن داوود، الرجال، تحقيق: سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریة،
1392ق.

حلی، حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف، المطبعة الحیدریة، چاپ اول، 1370ق.
حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصة الأقوال، تحقيق: شیخ جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر
الفقاهة، چاپ اول، 1417ق.

خراسانی، محمدجواد، مهدی منتظر علیه السلام، تحقيق: سید جواد میرشفیعی، تهران _ قم، مؤسسه
انتشاراتی لاهوت، چاپ سیزدهم، 1384ش.

خلیل حبة، رزق، الامام المهدي علیه السلام واليوم الموعود، بیروت، دار الولاة، چاپ سوم، 1429ق.
خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم، نشر آثار شیعه، 1410ق.

دوانی، علی، مهدی موعود عليه السلام (ترجمه جلد 13 بحار الانوار)، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ بیست و نهم، 1381 ش.

ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ نهم، 1413 ق.
رازی، فخرالدین محمد بن عمر بن حسین، المحصول، تحقیق: طه جابر فیاض العلوانی، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ دوم، 1412 ق.

رضوانی، علی اصغر، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، 1384 ش.

سفارینی حنبلی، محمد بن احمد بن سالم، لوازم الانوار البهیة، دمشق، مؤسسه خافقین، چاپ دوم، 1402 ق.

سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
شوکی، سید محمد، آخر الدول، قم، انتشارات جلال الدین، چاپ اول، 1429 ق.
صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عليه السلام، قم، مؤسسه السیده المعصومه عليها السلام، چاپ اول، 1419 ق.

صدر، سید صدرالدین، المهدی عليه السلام فی کتب الصحاح والسنن، بیروت، دار الرافدین، چاپ اول، 1424 ق.

صدر، سید محمد، موسوعه الامام المهدی عليه السلام (تاریخ مابعد الظهور)، قم، ذوی القربی، چاپ دوم، 1425 ق.

صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، علل الشرائع، تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریة، 1385 ق.

_____ ، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح وتعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرسین، 1405 ق.

صفار نجفی، سالم، موسوعه الامام المهدی المنتظر عليه السلام من المهد الى يوم القيامة، بیروت، دار نظیر عبود، چاپ اول، 1428 ق.

صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، بی جا، منشورات المجلس العلمی، بی تا.
طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، بی جا، دار الحرمین، 1415 ق.

- _____ ، المعجم الكبير، قاهره، دار احياء التراث العربى، چاپ دوم، 1405ق.
- طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج، تحقيق: محمد باقر الخرسان، النجف الأشرف، دار النعمان، 1386ق.
- طبرسى، فضل بن حسن، اعلام الورى باعلام الهدى، قم، آل البيت، چاپ اول، 1417ق.
- طبرى، محمد بن جرير، دلائل الامامة، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، 1413ق.
- _____ ، نوادر المعجرات، قم، مؤسسه الامام المهدي عليه السلام، چاپ اول، 1410ق.
- طيسى نجفى، محمدرضا، الشيعة و الرجعة، نجف، مطبعة الآداب، چاپ سوم، 1385ق.
- طوسى، ابى جعفر محمد بن حسن، الرجال، تحقيق: جواد قىومى اصفهانى، قم، جامعه مدرسين، چاپ اول، 1415ق.
- _____ ، الغيبة، تحقيق: عباد الله تهرانى و على احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الإسلاميه، چاپ اول، 1411ق.
- _____ ، الفهرست، تحقيق: جواد قىومى اصفهانى، قم، مؤسسه نشر الفقاهه، چاپ اول، 1417ق.
- عسكرى، نجم الدين جعفر بن محمد، المهدي الموعود المنتظر عليه السلام عند علماء اهل السنة والاماميه، بيروت، دارالزهراء عليها السلام، چاپ اول، 1397ق.
- عياشى، محمد بن مسعود، تفسير العياشى، تحقيق وتصحيح و تعليق: سيد هاشم رسولى محلاتى، تهران، المكتبة العلميه الإسلاميه، بى تا.
- غزالى، أبى حامد محمد، المستصفى، تصحيح: محمد بن عبدالسلام، بيروت، دار الكتب، 1417ق.
- فتال نيشابورى، محمد بن حسن، روضة الواعظين، قم، منشورات شريف الرضى، بى تا.
- قزوینى (ابن ماجه)، محمد بن يزيد، السنن، بيروت، دارالفكر، بى تا.
- قندوزى حنفى، سليمان بن ابراهيم، ينابيع الموده لذوى القربى، تحقيق: سيد على جمال اشرف الحسينى، قم، دار الأسوة للطباعة و النشر، چاپ اول، 1416ق.
- كشى، محمد بن عمر، رجال، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، 1348ش.
- كورانى، على، معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، چاپ اول، 1411ق.

كوفى، ابن ابى شيبه، المصنف، بيروت، دار الفكر، چاپ اول، 1409ق.

گرگورى، زيليك، نجوم و اختر فيزيك مقدماتى، ترجمه: جمشيد قنبرى، مشهد، نشر دانشگاه امام رضا عليه السلام، ويرايش چهارم، 1387ش.

ماحوزى، ابوالحسن سليمان بن عبدالله، كتاب الأربعين، تحقيق: سيد مهدي رجاى، قم، نشر امير، چاپ اول، 1417ق.

مالكى مكى (ابن صباغ)، على بن محمد بن احمد، الفصول المهمه فى معرفه الأئمه، تحقيق: سامى الغريرى، قم، دارالحدیث، چاپ اول، 1422ق.

مباركفورى، صفى الرحمن، تحفه الأحوذى شرح جامع الترمذى، بيروت، دارالكتب العلميه، چاپ اول، 1410ق.

متقى هندی، على بن حسام الدين، كنز العمال، تحقيق و ضبط و تفسير: بكرى حيانى، تصحيح و فهرسة: صفوة السقا، بيروت، مؤسسه الرساله، 1409ق.

مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بيروت، داراحياء التراث العربى، چاپ دوم، 1403ق.

مروزى، نعيم بن حماد، الفتن، بيروت، دار الفكر، 1414ق.

مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، بيروت، دار المفيد، چاپ دوم، 1414ق.

مقدسى شافعى، يوسف بن يحيى، عقد الدرر فى اخبار المنتظر، تحقيق: دكتور عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره، مكتبة عالم الفكر، چاپ اول، 1399ق.

مكارم شيرازى، ناصر، حكومت جهانى مهدي عليه السلام، قم، مدرسه الامام على بن ابى طالب عليه السلام، چاپ هشتم، 1376ش.

موصلى، ابويعلی، المسند، دمشق، دار المأمون للتراث، چاپ دوم، بی تا.

نجاشى، احمد بن على، الرجال، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، 1416ق.

نعمانى، محمد بن ابراهيم، كتاب الغيبة، تحقيق: فارس حسون، قم، مهر، چاپ اول، 1422ق.

نووى، يحيى بن شرف، شرح صحيح مسلم، بيروت، دار الكتب العربى، 1407ق.

واسطى بغدادى (ابن غضائرى)، احمد بن حسين، الرجال، تحقيق: سيد محمدرضا جلالى، قم، دارالحدیث، چاپ اول، 1422ق.

هيتمى، شهاب الدين احمد بن حجر، القول المختصر فى علامات المهدي المنتظر، تحقيق: رشاد الخطيب، دمشق، دار التقوى، چاپ اول، 1428ق.

هيشمى، نور الدين على بن ابى بكر، مجمع الزوائد، بيروت، دار الكتب العلمية، 1408ق.
يزدى حائرى، على، الزام الناصب فى اثبات الحجّة الغائب عليه السلام، بي جا، بي نا، بي تا.